

یادداشت‌هایی در باره جنگ اسرائیل در غزه (۴)

### جستجوی "معنای پیروزی" در آستانه شکست

سیاوش دانشور

صفحه ۳

بیانیه مجمع کارگران ذوب آهن اصفهان

### اعتراض و مطالبه گری حق قانونی ما کارگران است اعمال فشار و آزار همکاران مان را پایان دهید

صفحه ۵

### نتیجه دخالت جریان‌های اسلامی در مسأله فلسطین (نوشته زیر متن سخنان منصور حکمت در یک جلسه پالتاک در نوامبر ۲۰۰۱ است)

صفحه ۶

### سنگ پرانی دوباره چپ پوپولیست به منصور حکمت

آذر ماجدی

صفحه ۷

### قتل یک جوان ۱۷ ساله در شهر میبد یزد خشمی غیر انسانی علیه هم‌نوعان افغانستانی

سعید آرمان

صفحه ۹

### وظایف جنبش دانشجویی در دوره "خفقان شکننده"

سمیرا دولت شاهی

صفحه ۱۰

### باشکوهترین اعتراضات معلمان استان سلیمانیه در اقلیم کردستان عراق

تنظیم گزارش سعید آومان

صفحه ۱۲

### ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسکری و آرش کلهر

صفحه ۱۳



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran  
Hekmatist

جمعه ۱۷ آذر ۱۴۰۲ - ۸ دسامبر ۲۰۲۳

### در خاتمه قاطعانه اعلام می کنیم که قدرت واراده ما کارگران را دوباره آزمایش نکنید!

### زنده باد کارگران ذوب آهن اصفهان

اعتراض و اعتصاب کارگران در ایران علیه ظلم و ستم سرمایه داران و دولت اسلامی رو به گسترش است. اجتماع و اعتصابات کارگری در رابطه با سطح نازل دستمزدها و شرایط دشوار معیشتی در بخشهای مختلف تولیدی و در روزهای گذشته، اجتماع اعتراضی کارگران ذوب آهن اصفهان ادامه خیزش انقلابی و ریشه در مطالبات و خواستگاه این جنبش علیه حکومت سرمایه داری و اسلامی ایران دارد. از سالهای گذشته به موازات افزایش بحران اقتصادی و تورم گرانی و حمله به دسترنج کارگران و اکثریت تهیدستان اعتراض و اعتصاب کارگران، بازنشستگان همه گیرتر و سراسری تر و به امر و تین جامعه ایران تبدیل شده است. سیاستهای اقتصادی و بودجه بندیهای دولت رئیسی یک به یک با تعرض به حقوق و مزایای کارگران و بازنشستگان زندگی اکثریت مردم کارگرو زحمتکش را روز به روز دشوارتر می کند.

اکنون با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی ایران و تعرض بسیار وسیعی که در یک ساله اخیر به کلیت رژیم اسلامی صورت گرفت و نفرت بسیار عظیمی که علیه آنان در میان اقشار مختلف مردم شکل گرفته، اولویت رژیم اسلامی قبل از هر چیز نه تامین معیشت مردم و جواب به مطالبات معیشتی کارگران و بازنشستگان، بلکه بقای نظام اسلامی، بکارگیری همه

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اعتصاب کارگری را بی ربط به اوضاع سیاسی جامعه و تحولات کنونی منعکس دهند. به مطالبات آنان بی توجهی و آنگورمی کنند. خلاصه اینکه جمهوری اسلامی در مقابل این همه نارضایتی و نفرت به خود می پیچد. به محیط کارلشکرکشی می کند. فعالین را دستگیر و زندانی می کند. علیه زنان و سرپیچی آنان از رعایت حجاب اسلامی به هر امکانی دست می برند. دانشگاه را پادگان کرده اند و اخراج و تحریم و تبعید دانشجویان و اساتید متعهد و مردمی را به سیاست روزجهت گسترش اختناق در دانشگاهها و مدارس تبدیل کرده اند.

این اوضاع نه برای کارگران، نه بازنشستگان، اقشار محروم جامعه، نه زنان و جوانان قابل تحمل نیست. همه این اعتراضات جواب به این اوضاع است. سرکوب و اختناق جواب این اوضاع آشفته نیست و نتوانسته اعتراض و مبارزه مردم را سد کند. طبقه کارگر با گسترش اعتراض و اعتصاب و پیوند این مبارزات می تواند نقش تعیین کننده ای در تغییر اوضاع به نفع خود و هم طبقه هایش ایفا کند.

\*\*\*

سر ادبیر



کارگر ذوب آهن، حق تو فریاد بزن



## در خاتمه قاطعانه اعلام می کنیم که قدرت واراده ما کارگران را دوباره آزمایش نکنید!

### زنده باد کارگران ذوب آهن اصفهان

امکانات اقتصادی- سیاسی و نیروهای سرکوب در خدمت حفظ این نظام ورشکسته است. در نتیجه جمهوری اسلامی راهی جز سرکوب و دستگیری و تهدید و زندان در مقابل اعتراض و اعتصاب و نارضایتی کارگران، بازنشستگان، معلمان، زنان و دانشجویان و همه اقشار ناراضی جامعه ندارد.

### اعتراض هزاران کارگر ذوب آهن اصفهان

اعتراض کارگران ذوب آهن اصفهان در روزهای شنبه و یکشنبه و دوشنبه ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ آذر که با لشکرکشی یگان ویژه به محیط ذوب آهن، با سرکوب و دستگیری تعدادی از کارگران بطور موقت پایان یافت، ریشه در همین اوضاع نابسامان سیاسی- اقتصادی دارد و مشکلات عدیده ای است که به آنها تحمیل شده است. کارگران در مقابل لشکرکشی یگان ویژه شعار دادند "گارد ویژه و باتوم دیگر اثر ندارد" و پروا صدای اعتراض زنان و جوانان و کارگران در خیزش انقلابی است که در ذوب آهن اصفهان تنین آنداز شد.

مجمع کارگران ذوب آهن اصفهان بعد از حمله یگان ویژه به اعتراض بر حق کارگران علیه شرایط سخت معیشتی و سطح نازل دستمزدها که سابقه چندین ساله دارد و اعتراض روزهای ۲۴ و ۲۵ آبان کارگران را با وعده عملی کردن مطالبه کارگران به پایان رساندند، در بیانیه ای سریع و روشن ضمن محکوم کردن ضرب و شتم کارگران و آزادی بی قید و شرط همکاران دستگیر شده، به مدیریت و دولت اختیار داده اند که "مارا و ادارت نکنید تا قدرت خود را در ابعاد بزرگتر و در سطوح بالاتری به شما نشان دهیم". "فراموش نکنید که چرخ های این صنعت با دستان ما می چرخد و با دستان ما نیز می تواند متوقف شود.

ذوب آهن اصفهان صنعت مهم و پردرآمدی است که کارفرما و دولت و سپاه از قبیل زحمت و کار کارگران ثروت اندوزی می کنند و در مقابل خواست کارگران سرپیچی می کنند و به زور و سرکوب متوسل می شوند. در ذوب آهن اصفهان ۱۸ هزار کارگر، ۱۳ هزار رسمی و ۵ هزار پیمانی کار می کنند و دسترنج آنان را می دزدند و بالا می کشند و خود از حقوق و مزایای کافی بی بهره اند.

اعتراض اخیر کارگران ذوب آهن اصفهان، رویداد مهمی در ادامه اعتراض و اعتصابات کارگری علیه بی حقوقی و وضعیت دشوار معیشتی و ظلم و زور سرمایه داران و حکومت حامی آنان جمهوری اسلامی است. کارگران همچنانکه به درست در بیانیه مجمع کارگران ذوب آهن عنوان شده "منشع قدرتند، زیادند، طبقه اجتماعی قدرتمندند و چرخ تولید در دست آنان است" و اگر متشکل شوند و اعتراض و اعتصابات خود را سراسری کنند و اراده کنند می توانند سر نوشت جامعه را به نفع خود و اقشار زحمتکش تغییر دهند. جمهوری اسلامی هنوز با چنین شرایطی روبرو نیست، هنوز قدرت و پتانسیل اعتراض کارگری آنچنان که هست رانده اند. هنوز سازمانیافته و سراسری عمل نمی کنند. هنوز رهبران و فعالین سوسیالیستی همفکرو متحد در بخشهای مختلف کارگری به میدان نیامده اند. حکومت سرمایه اسلامی از چنین روزی وحشت دارد و علازم سرکوبگری در مقابل کارگران محتاط و دست به عصا حرکت می کنند. تلاش میکنند که اعتراض و

مرگ بر جمهوری اسلامی!



چشم جهان دارند سلاخی و قتل عام میشوند. مردم جهان هرچه راجع به هولاکاست خوانده اند یا شنیده اند، در غزه ارتش اسرائیل "هولاکاست آنلاین" راه انداخته است. دولت و نظامی که رسماً به یک آپارتاید مذهبی ارتقا یافته و آگاهانه و علناً برای نابودی فلسطینیان و تداوم اشغالگری و الحاق تتمه سرزمین آنان تلاش میکند. در این فضا است که آنتونی گوترش و سازمان ملل که ناتوان تر از هر زمانی و فاقد یک استقلال رای برای عمل واقعی است، زبان تندتر از ادبیات معمول این نهاد را بکار میبرد و از "استفاده از اختیارات قانونی و ماده ۹۹ منشور جهانی سازمان ملل متحد" برای توقف فوری جنگ و جلوگیری از یک فاجعه وسیع انسانی سخن میگوید. باید تاکید کرد که این اوضاع محدود به فلسطین نمی ماند و کل منطقه را در حالت تهدید جنگ قرار میدهد. امری که دولتهای درگیر جهانی و منطقه ای در لحظه حاضر از آن اجتناب میکنند.

یک سوال مهم دیگر که در ذهنیت مردم جهان چرخ میزند، اینست که اگر فاشیست ها در اسرائیل میتوانند اینگونه عمل کنند، چه تضمینی هست که فردا در مجارستان و لهستان و هلند و برزیل یا خود آمریکا و کشورهای اروپا این فجایع در سطح دیگری تکرار نشود؟ مگر نه اینست که سران متفرقه راست محافظه کار و فاشیست و دمکرات حامی نتانیاهو هستند؟ اگر نظم جهانی سرمایه داری میتواند ظهور نظامهای فاشیستی و مذهبی را در اسرائیل و افغانستان و ایران تحمل کند، چرا در جاهای دیگر نه؟ این ترند و تمایل در ایندولوژی بورژوازی امروز اما تیغ دولبه است؛ راستگرایی جهانی و ورود فاشیست ها به صحنه سیاست از طرق انتخابات و کوبیدن پرچم فاشیسم بر سر در دمکراسی غربی، تنها میان کارگران و شهروندان جهان ارباب و ناامنی ایجاد نمیکند و فقط شرایط سودآوری سرمایه و جنگ و رقابت خونین آنها را تشدید نمیکند. اگر این منطق و روال پذیرفته شده دمکراسی است که مرتباً فاشیسم بزاید و از حکومتهای فاشیستی و مذهبی و قومی دفاع کند، مردم جهان نیز خود را محق خواهند دانست و محق اند در مقابل نظم حامی فاشیسم با هر روش مقدور بایستند. این "حق" یکجانبه نیست. فاشیستها قرار نبود و نیست بعنوان نیروی بستر اصلی بورژوازی و جریان بسط و انکشاف سرمایه در نظم جهانی عمل کنند، آنها قرار بود در موقعیتهای بحرانی نظم موجود را نجات دهند. امروز دمکرات ترین دمکرات ها از راست تا چپ یک رگه فاشیستی دارند.

این تناقضات ماشین آپارتاید و نسل کشی اسرائیل را زمینگیر کرده است. نتانیاهو به اهدافش نرسیده و فی الحال شمارش معکوس اش آغاز شده است. در این اوضاع است که نتانیاهو قصاب غزه دیوانه وار آم می کشد، دنبال "معنای پیروزی" است، خبر میدهد که نزدیک منزل یحیی سنوار رهبر حماس در غزه رسیده اند. شاید کشتن یحیی سنوار یک "معنای پیروزی" برای نتانیاهو است، همانطور که ترامپ البغدادی را کشت با اوایما اسامه بن لادن را. اما با کشتن یحیی سنوار هم حماس تکان نمیخورد. در یادداشت قبلی اشاره کردیم: "اگر نابودی حماس ممکن نیست، نهایت "پیروزی" برای اسرائیل سلب حاکمیت دوفاکتوی کنونی حماس بر غزه است. اگر دولت اسرائیل قادر به اشغال غزه برای مدت طولانی نیست، طرحهای بینابینی مثل واگذاری اداره غزه به کشورهای عربی یا نیروهای بین المللی برای دوره ای بجلو رانده میشود. یعنی هدف دوم نتانیاهو نیز محقق نمیشود بلکه با ویرانی بیشتر غزه و تداوم اشغالگری در کرانه باختری، قرار است مردم فلسطین تحت وسیع ترین فشار و قتل عام قرار گیرند تا به حداقل هائی رضایت دهند".

نتانیاهو با ویرانی شمال غزه و حمله به جنوب و راندن فلسطینی ها بسمت گذرگاه رفح، هنوز امیدوار است فلسطینی ها را

## یادداشتی در باره جنگ اسرائیل در غزه (۴)

### جستجوی "معنای پیروزی" در آستانه شکست

سیاوش دانشور

نتانیاهو با عطش بیحد و حصری مشغول قصابی مردم فلسطین است. در چند روز بعد از "وقفه بشر دوستانه" بی مهابا در کرانه غربی و غزه فلسطینی کشته است. توصیه ها و تاکیدهای فرمال بایدن و شرکای غربی مبنی بر "لزوم حفاظت از جان غیر نظامیان" در عمل یک افسیلون ارزش نداشته است. در غزه و شهر خان یونس که تانکهای اسرائیل وارد آن شده اند مناطق زیادی با خاک یکسان شده است. میزان تلفات مردم عادی از کودک و پیر و جوان وسیع است، بیمارستانهای باقیمانده گنجایش ندارند، گرسنگی و بی دارویی و بی مسکنی بیداد میکند. آپارتاید مذهبی اسرائیل با لذت عجیبی فلسطینی می کشد؛ در هولاکاست غزه تاکنون حدود ۱۸۰۰۰ فلسطینی قتل عام شده اند که حدود ۷۰۰۰ نفر آنها کودکان بودند، دارو و درمان و مکان بستری برای زخمی ها نیست و قریب ۱/۸ میلیون نفر بین شمال و جنوب غزه آواره و بی خانمان شدند. همراه با نسل کشی در غزه، در کرانه غربی نیز حملات مسلحانه شهرک نشینان شبه نظامی و مسلح به فلسطینی ها در معیت پلیس و ارتش هر روز گسترش یافته است. از بازداشتی ها دستجمعی مردم عادی تا ویران کردن منازل روستائیان، از نابودی درختان زیتون و جلوگیری از برداشت آن تا سرقت اموال فلسطینی ها، از آزار و شکنجه روزمره تا قتل و کوچاندن اجباری ساکنین از منازل و محل زندگی شان، در کنار تیراندازی به مردم عادی و دکتر و خبرنگار و کارگر در خیابان و منزل و هنگام کار، از اقدامات روزانه شهرک نشینان فاشیست در حمایت دولت و قانون است.

چرا این درجه سببیت و کشتار جمعی برای نتانیاهو و دولت اسرائیل ضروری شده است؟ واقعیت اینست که "قدرتمانی در جنایت" نتانیاهو و شرکا، انعکاس ورشکستگی سیاست الحاق و اشغال کامل سرزمینهای فلسطینی است. اعمال دولت نژادپرست و آپارتاید یهودی اسرائیل روی دست دولت نژادپرست و آپارتاید سفید آفریقای جنوبی بلند شده و بسیار دهشتناک تر و جنایتکارانه تر است. اگرچه تمایل سیاسی ته دل سران دولتهای غربی با سیاست نتانیاهو است، اما ناچار شدند افسار وی را بکشند، ناچار شدند موضع و لحن شان را تغییر دهند، ناچار شدند مجدداً از دو دولت حرف بزنند، ناچار شدند علیه اشغال و الحاق سرزمینهای فلسطینی و حتی علیه طرح "نابودی حماس" حرف بزنند، ناچار شدند هر نوع کوچاندن و تغییر مرزهای کنونی را رد کنند. فشار افکار عمومی علیه نسل کشی و پاکسازی قومی نقش مهمی داشته و دولتها را به این تغییر جهت محدود و صوری سوق داده است. در کنار اینها البته منافع مشخص وجود دارند؛ محاسبات داخلی خود دولتها، تأثیرات و پیامدهای سیاست حمایت یکجانبه و بیهوده و شرط از نسل کشی، منافع استراتژیک تر برای حفظ موجودیت اسرائیل که با تداوم سیاست نتانیاهو میتواند مورد تهدید قرار گیرد، از جمله دلالتی هستند که کشیدن افسار نتانیاهو را ضروری کرده است. باید اضافه کرد زمان به نفع نتانیاهو نیست، دوره کوتاه جلب "مشروعیت" برای تهاجم نظامی بعد از واقعه ۷ اکتبر خیلی زود تمام شد. توجیه "دفاع از خود" اسرائیل نظر به مجازات جمعی و قتل عام مردم غیر نظامی و کودکان در مقابل چشم جهان، برای گویندگانش حکم تف سربالا را دارد. ورق به ضرر نتانیاهو برگشت و هیچ کدام از اهداف اعلام شده متحقق نشدند.

واقعیت دیگر اینست که یک مردم، عمدتاً مردم عادی و غیر نظامی، از بزرگ و کوچک و زن و مرد و کودک و بیمار روز روشن در مقابل

اسرائیل گفته است: "دو میلیون نازی در یهودیه و سامریه زندگی می‌کنند که همان قدر از ما متنفرند که نازی‌های حماس- داعش در غزه". (یهودیه و سامریه نام‌های عهد عتیق برای منطقه‌ای است که کرانه باختری در آن واقع شده است). همه چیز وارونه شده است.

افق شکست نتانیاهاو در جنگ خونین دولت اسرائیل علیه مردم بی‌دفاع فلسطین قابل رویت است. او هنوز نتوانسته است به حماس فائق آید و حتی سلب قدرت کند، برخلاف لفاظی تبلیغاتی هدف واقعی وی هیچوقت "نابودی حماس" نبوده است، وی برای نفی مسئله فلسطین به حماس نیاز دارد. اما توانسته است در نفرت نژادپرستانه، مجازات جمعی فلسطینی‌ها و نسل‌کشی کودکان و غیر نظامیان رکورد بزند. اگرچه وی شکست خورده این جنگ است و شخصا پرونده کارش تمام است اما قطعا این جنبه از کار وی مورد تقدیر فاشیست‌های اسرائیل و جهان قرار خواهد گرفت.

۷ دسامبر ۲۰۲۳



## یادداشت‌هایی در باره جنگ اسرائیل در غزه (۴)

### جستجوی "معنای پیروزی" در آستانه شکست

#### سیاوش دانشور

به زور بکوجاند، سیاست اشغال و الحاق و منتفی کردن مسئله فلسطین را دنبال کند. مردم فلسطین و سازمان‌های فلسطینی و کشورهای عربی متفقا مخالف کوچاندن و تداوم اشغال هستند. پشت تلاش جنون وار پاکسازی قومی فلسطینی‌ها توسط نتانیاهاو واقعیت بن بست و شکست وجود دارد. بویژه بیانیه‌های علنی و رسماً فاشیستی دولت و ارتش اسرائیل نگرانی از تداوم وقوع جنایت‌های بزرگ‌تر و تحریک به جنایت توسط

شهرک نشینان را بالا برده است. امری که رسانه‌ها هنوز راجع به آن سکوت می‌کنند. در این میان تصویر غزه وحشتناک و بقول عناصر سازمان ملل "آخرالزمانی" است، منابع مستقل‌تر از باران گلوله‌های تانک و حملات هوایی دهشتناک مستمر که قصد شخم زدن غزه را دارد گزارش می‌دهند. بیماری‌های عفونی و آلودگی آب و جنازه‌های مانده زیر آوار و سقوط سیستم پزشکی فی الحال یک فاجعه تمام عیار ایجاد کرده و امکان شیوع بیماری‌های واگیردار را افزایش داده است.

تداوم عملیات در جنوب غزه با درگیری شدید با شبه نظامیان حماس در مناطق مختلف روبرو شده است. تعداد تلفات سربازان اسرائیلی بالا می‌رود، تعدادی از گروگان‌های اسرائیل در این حملات کشته شدند و خود این موج نارضابانی داخلی و حمله رقیب به نتانیاهاو را افزایش داده است. با تشدید نسل‌کشی در غزه، در کرانه باختری نیز تحت رهبری دو وزیر رسماً فاشیست و خواهان نابودی فلسطینی‌ها، اینامار بن گویر و بتسالل اسموتریچ، حملات شهرکن نشین‌ها به شدت گسترش یافته است. طنز ماجرا اینست که فاشیست‌های بنام قتل عام و تهاجم خود را "مبارزه با نازی‌ها" معرفی می‌کنند. فاشیست مشهوری مانند اسموتریچ به تایمز

#### مبارزه با مذهب

دروغ تحویل مردم می‌دهند. مردم را می‌ترسانند. مردم را در این دنیا از خشونت می‌ترسانند و در آن دنیا از عقوبت. این درست مثل مافیا است.

نهاد مذهبی چه مسیحی باشد چه اسلامی چه یهودیست، قبل از اینکه مجموعه‌ای از باورهای اجتماعی باشد، یک ساختمان و عمارت بزرگ اجتماعی است که روی پای خودش ایستاده، مالیات می‌گیرد، پول می‌گیرد و خرج بقا و حاکمیت خودش می‌کند.



در نتیجه صنایع دینی پدیده عظیمی در دنیا است. اگر پولی که خرج اسلام میشود را کنار هم بگذارید میبینید با ثروت بزرگترین کمپانی‌های بین‌المللی قابل مقایسه است. قابل مقایسه است با هزینه نظامی دهها کشور رویهمرفته. در نتیجه باید مثل یک صنعت به آن نگاه کرد که آگاهانه سعی می‌کنند محصولش را بفروشند. سعی می‌کنند بازار را به خودش اختصاص بدهد. سعی می‌کند مصرف کنندگان را به خودش معتاد بکند. جامعه‌ای که می‌خواهد خودش را آزاد کند باید با همین عنوان به مذهب روبرو شود. فکر نکند که این مجموعه باور به خر دجال و گریه بخاطر کربلاست.

این یک صنعت عظیم خرافه پرآکنی، ارباب مردم و به تمکین و تسلیم کشیدن مردم در مقابل قدرت طبقاتی حاکم است.

و اگر شما یک جامعه آزاد می‌خواهید باید پول خرج کنید، نیرو بگذارید، نیروی انسانی اختصاص بدهید برای اینکه با این پدیده مقابله کنید. همانطور که با باندهای مواد مخدر مقابله میکنید. همانطور که با کمپانی‌های سودجویی مقابله میکنید که می‌زدند و می‌برند و جای خودشان ویرانه بجا می‌گذارند. با صنعت مذهب هم باید به همین صورت مقابله کرد.

منصور حکمت: کمونست هفتگی شماره ۳۶۸. در باره مبارزه با مذهب (صفحه ۱۰)

**نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!**

## بیانیه مجمع کارگران ذوب آهن اصفهان

## اعتراض و مطالبه گری حق قانونی ما کارگران است

### اعمال فشار و آزار همکاران مان را پایان دهید



۳- تحت فشار قرار دادن کارگران، تهدید و احضار، بازداشت و تنبیه آنان تنها بخاطر اینکه حق قانونی خود را می‌خواهند و در مقابل ظلم و زدی‌های شما اعتراض و تظلم‌خواهی می‌کنند هم مغایر قوانین جاری و هم بر اساس هر نوع دین و مسلکی شنیع و ضد انسانی است.

۴- وارد کردن نیروهای نظامی و گارد ویژه به محیط کار، آنهم ذوب‌آهن که از قطب‌های اقتصادی کشور است قطعاً غیرقانونی و اتفاقاً اخلال در نظم کارخانه است و باید جرم تلقی گردد. شرم بر شما که اعمالی را از سال گذشته تاکنون مرتکب شده‌اید که در هیچ تاریخی نمونه‌اش دیده نشده است.

سیاه‌هی حق‌خواهی‌های قانونی ما و ظلم و ستم‌های غیرقانونی و جرائم شما بسیار سر دراز دارد و بیشتر از این نمی‌شود به آنها اشاره کرد. حال که پس از اعتراض حق‌خواهانه و قانونی ما، مدیریت و حراست در مقام دشمنان اصلی کارگران ذوب‌آهن دوباره ناجوانمردانه و خیانت‌بار دست به کار شده و با به زحمت انداختن و آزار چندین تن از همکاران ما قصد تداوم اعمال ظلم و تضییع حقوق ما کارکنان ذوب‌آهن را دارند باید نکاتی را صریحاً اعلام کنیم؛

– همکارانی را که بازداشت شده‌اند باید به فوریت و بدون هیچ قید و شرطی آزاد گردند.

– مشکل همکارانی که در روند ورود و خروجشان اخلال ایجاد شده و یا کارت‌های‌شان متوقف شده است باید سریعاً برطرف گردد.

– ما قاطعانه بر خواست‌های خود از جمله تصحیح و اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، افزایش مزد و پاداش و دیگر خواسته‌های خود تاکید داریم. فکر دور زدن و نادیده گرفتن مطالبات ما را از سر بیرون کنید. به فوریت باید اقداماتی در راستای تحقق خواسته‌های ما کارگران آغاز کرده و اعلام نمایید.

در خاتمه قاطعانه اعلام می‌کنیم که قدرت و اراده‌ی ما کارگران را دوباره آزمایش نکنید!

فراموش نکنید که ۱۸۰۰۰ پرسنل در این شرکت مشغول به کار هستند و تجمعاتی که تاکنون برگزار کرده‌ایم همواره چند هزار نفره بوده است. ما را وادار نکنید تا قدرت خود را در ابعاد بزرگتر و در سطوح بالاتری به شما نشان دهیم!

فراموش نکنید که چرخ‌های این صنعت با دستان ما می‌چرخد و با دستان ما نیز می‌تواند متوقف گردد. شمارش معکوس برای شما آغاز شده است.

\*\*\*

مجمع کارگران ذوب‌آهن اصفهان

پس از حضور قدرتمند و متحدانه‌ی ما در روز شنبه ۱۱ آذر و طنین شعار “گارد ویژه و باتوم دیگه اثر ندارد”، کوهی مدیرعامل شرکت با هزار خواری و ذلت درصدد توجیه گسیل دادن یگان ویژه در سال گذشته برآمد. اما بلافاصله در روز یکشنبه و دوشنبه با وارد کردن نیروهای گارد ویژه و چماق به دستان حراستی به داخل شرکت و تهدید و احضار و بازداشت همکاران مان و همچنین ممانعت از ورود و ضبط کارت آنها، این مدیرعامل خائن و ضدکارگر به وضوح نشان داد که “توبه گرگ مرگ است”.

چند مسئله را با قطعیت روشن خواهیم کرد:

۱- اجرای کامل و اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل که قریب به ۱۰ سال است از ما زدی شده حق قانونی ما کارگران ذوب‌آهن است.

۲- خواست همسان‌سازی حقوق با سایر شرکت‌های فولادی، آن هم درحالی‌که شرکت ما از قدرتمندترین و سودآورترین و قطب صنعت فولادی کشور بوده و هست، خواستی به‌حق و قابل اجراست.

۳- مطالبه‌ی افزایش دستمزد و پاداش با توجه به تورم سرسام‌آور و ناکافی بودن حقوق کارگران، حق مسلم و بدیهی کارگران است.

۴- همه کارگران حق دارند تا آزادانه بتوانند تشکل مستقل خود را ایجاد کنند و از طریق آن به مطالبه‌ی حقوقشان بپردازند. با توجه به عدم وجود تشکل مستقل، اعتراض مسالمت‌آمیز ما در محوطه‌ی کارخانه که خانه کارگران است و بدون کوچکترین خشونت و قانون‌گریزی اتفاق افتاده است، قانونی‌ترین حق ماست.

اما درمقابل چه اعمالی ناحق و غیرقانونی است:

۱- به‌گرو گرفتن حق زندگی کارگران و خانواده‌های‌شان از طریق عدم اجرای طبقه‌بندی مشاغل طی ۱۰ سال گذشته و به طبع آن عدم پرداخت افزایش حقوق ناشی از اجرای این طرح، زدی و غارت از کارگران، و غیرقانونی و غیرانسانی و جرم است. شرم بر شما باد

۲- عدم پاسخگویی به صدای حق‌خواهی و مطالبه‌گری کارگرانی که در یک قرارداد دو طرفه با شما قرار دارند و نان تلاش و زحمت خود را می‌خورند، غیرقانونی و غیراخلاقی است.





در نتیجه بنظرم اگر کاری بخواهیم بکنیم، همانقدر برای عرفات مشکل است که جلوی حماس و جهاد اسلامی را بگیرد که برای پرز و رایین مشکل بود که جلوی جناح راست اسرائیل را بگیرند. این یک صفتی واقعی است که آخرش هم یکی باید به دیگری زور بگوید. بنظرم هر دو جناح مذهبی - افراطی در این دو جامعه را باید کوبید تا عقب رانده شوند تا بشود صلحی برقرار شود.

بنظرم الان فقط یک راه دارد و آن اینکه فشار آورد روی اسرائیل. فشار روی یاسر عرفات، اگر کاری از دستش برمیآید حرکت بکند [فشار روی] حماس و جهاد اسلامی، که خود جمعیت فلسطینی قبولش نمی کند. در نتیجه فشار آوردن روی اسرائیل، تنها راه حل مسأله یک فشار بین المللی روی اسرائیل است که دولت مستقل فلسطین را برسمیت بشناسد.

تنها کاری که می شود کرد علیه جهاد اسلامی و حماس، علیه راست افراطی در اسرائیل و علیه تمام سیاست امپریالیستی و اشغالگرانه ای که علیه مردم فلسطین [است] و علیه تروریسم اسلامی اینست که کشور فلسطین تشکیل شود. اگر کشور فلسطین تشکیل نشود، اگر این روشی که الان آمریکا در پیش گرفته پیش برود، بنظرم اسلام سیاسی، علیرغم عقب نشینی که مجبور شده در ماجرای اخیر بکند، دوباره سر بلند می کند.

من فکر میکنم آمریکا و اسرائیل دارند آب به آسیاب اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی می ریزند همانطوریکه اسلام سیاسی دارد آب به آسیاب آمریکا و اسرائیل می ریزد، این حقیقت منطقه است..

پرسش و پاسخ در پالتاک ۲۷ نوامبر ۲۰۰۱، ۱۲ و ۲۶ دسامبر ۲۰۰۱

بخشی از متون پیاده شده توسط من (ایرج فرزاد) انجام شده اند. بقیه موارد را رفیق عزیز: "دنيس مر" پیاده، مقابله و تایپ کرده است. که سپس جملگی جهت انتشار در بستر اصلی توسط من ادیت شده اند. ایرج فرزاد

## نتیجه دخالت جریانات اسلامی در مسأله

### فلسطین

(نوشته زیر متن سخنان منصور حکمت در یک جلسه پالتاک در نوامبر ۲۰۰۱ است)

نادر: (یک شرکت کننده در جلسه) در تحلیل هایت، بقول ما "جنگ تروریستها، ... گفته بودی که اگر آمریکا واقعاً بخواهد تروریست بکند [صحبت روشن نیست] باید برود در [اورشلیم] آنجا یک کاری بکند و ریشه اش را آنجا خشک ... کند. ولی با فجایع ۲-۳ روز پیش با آن بمبی که اینها در اسرائیل گذاشتند و ۲۵ آدم بیگناه را کشتند، بعد از سفر شارون به واشنگتن، حمله شدیدی از طرف اسرائیل به نوار غزه و کناره باختری شاهد چه جنایت هائی از طرف اسرائیلی ها در آنجا هستیم.

الان یک صحنه تاریکی این جلو باز شده. خواستم نظرت را بدانم چه هست؟ نظرت در مورد یاسر عرفات الان چه هست، الان باید چکار بکند؟ باید کنار بکشد؟ اگر بماند میتواند دار و دسته تروریستها را حداقل کنترل کند؟ وظیفه ما کمونیستها در مقابل این حرکات چیست؟

منصور حکمت: بنظرم نتیجه فعالیت های گروه های اسلامی دقیقاً همین است که می بینیم، توی دست امپریالیسم آمریکا و حکومت دست راستی اسرائیل بازی می کنند و به این پروسه خدمت می کنند. تا صحنه دارد بنفع فلسطینی ها برمی گردد در افکار عمومی، چه در مدیای غربی اوضاع دارد بنفع فلسطینی ها برمی گردد، اینها با حرکتشان فضا را عوض می کنند. از جنس همانهایی هستند که آنطرف ایستاده اند. ببینید! رژیم اسرائیل در همین فاصله ۵ هفته، ۱۱۲ فلسطینی غیر نظامی را کشته است، اینهم تروریست است و چنین حرکتی اجازه میدهد که دنیا را علیه اش بسیج کرد. ولی وقتی طرف مقابل با یک اقدام تروریستی صحنه را عوض می کند، جا را باز می کند برای طرفدارهای اسرائیل که فضا را دوباره بدست بگیرند.

"... نیروهایی که حکومت اسلامی را بزیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت.

این بار خامی و خوشباوری انقلاب ۵۷ را نخواهیم دید. جنبش سرنگونی طلب اینبار به مراتب تحزب یافته تر خواهد بود.

احزاب و نیروهای سرنگونی طلب در عین تنش حاد با یکدیگر وارد این جدال میشوند.

اینها آلترناتیو حکومتی واحدی را نمیپذیرند. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه گامی برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند. و جدال واقعی میان این آلترناتیوها و افقها، میان جنبشهای طبقاتی و پرچمهای حزبی مختلف با پیشروی جنبش سرنگونی طلبی بیشتر اوج میگیرد.

بنظر من با سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش توده ای بشدت در درون خود پلاریزه میشود. صفتی جدیدی، له و علیه پرچم کارگری - کمونیستی در جامعه پدیدار میشود. ما درصاف مقدم جنبش سرنگونی طلبی در این میدان حضور پیدا میکنیم، اما نگاهمان به آنجاست. به انقلاب کارگری...

« منصور حکمت »

کانال تلگرامی یک دنیای بهتر



### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**



دفاع از خود محرکه اصلی تمام این حملات است.

حدود دو سه ماه پیش کانون نویسندگان یادبودی گرم از آل احمد منتشر کرد. در سالگرد خیزش انقلابی که این چنین با جنبش آزادی زن و مذهب سنیزی و ترقی خواهی تنیده شده بود، گرامی داشت یک زن سنیز، هوادار جنبش اسلامی و مترجم سرشناس سر و صدای بسیاری از جانب موافقین، مخالفین و

منتقدین این حرکت براه انداخت. در این میان پای حکمت را به میدان کشیدند و شمشیر کشتی به سبک دن کیشوت کردند. حکمت برای اینها حکم دیوار "جمره" در مکه را پیدا کرده که حج گذاران به آن سنگ پرتاب می کنند!

با به میدان آمدن خیزش رادیکال و انقلابی سال گذشته، این چپ وامانده بیربطی خویش از این جنبش و بی تأثیریش بر آنرا به عینه مشاهده کرد. صحت تحلیل های منصور حکمت از جنبش های اجتماعی درون جامعه و دینامیزم تحرک سیاسی این جنبش ها به اثبات رسید. انتشار اطلاعیه در قهرمان سازی از آل احمد اعلام جدایی از این جنبش رادیکال، پیشرو و انقلابی است. در مقاله ای در همین رابطه، در همین نشریه نوشتیم: "این جماعت از جنبش آزادیخواهان و برابری طلبانه ای که به خیابان ها آمد ترسید؛ از رادیکالیسمش، از چپگرایی غیر پوپولیستی اش، از تسویه حسابش با اسلام، از ضدیتش با عقب ماندگی و راستگرایی. شاید در مورد برخی این ضرب المثل صادق باشد: باران می خواستند، سیل آمد ... آن چپی که کانون را به آن منتسب می دانند، چپ ناسیونالیست و پوپولیست است. این اطلاعیه اعلام برانگیز کانون نویسندگان از تداعی با آزادیخواهی، ترقیخواهی و ضد اسلامگرایی این خیزش و جنبش آزادی زن است. پیروزی این جنبش فقط بساط رژیم اسلامی را بر نمی چیند، بساط کسب و کار این باز پس ماندگان تاریخ مدعی رسالت را نیز کساد می کند. این اطلاعیه ای در دفاع از موجودیت خویش است."

در دو ماه اخیر، در شرایط تلخ و سیاه نسل کشی اسرائیل در غزه؛ در شرایطی که یکی از بزرگترین جنایات تاریخ در حال شکل گیری است، این چپ فرصتی "تاریخی" برای حمله به منصور حکمت، انتقامجویی از او و اعلام نفرت از خط و سنت او بدست آورده است. دو ماه است که همراه با بمب های اسرائیل کلمات کلیشه شده خود ساخته ای را به منصور حکمت منتسب می کنند و سپس حملات شان را به صف. او را هوادار اسرائیل می نامند! جل الخالق! تمام برج مقوایی این داستان سرایی بر پایه لرزان یک عبارت بنا شده است که منصور حکمت در یک مصاحبه شفاهی با ژورنالیستی عنوان کرده است: "به لحاظ سیاسی، اسرائیل مدرن تر، دمکراتیکتر و غربی شدهتر است."

همین بلبشو خود بیانگر عقب ماندگی سیاسی - اجتماعی این طیف و بی ربطی شان به سوسیالیسم و مارکسیسم است. ظاهرا این جماعت از این جمله به دو دلیل برآشفته شده اند:

۱- بهشان بر خورده است که گفته شده اسرائیل دمکراتیک تر است. توجه کنید! عبارت قیاسی است؛ دارد اسرائیل را با دیگر کشورهای منطقه مقایسه می کند. از آنجا که دموکراسی کعبه آمال و تمام آرمان آنهاست و مبارزات دموکراتیک تمام عطش انقلابی آنها را سیراب می کند، استفاده از کلمه دموکراتیک در هر متنی برای اسرائیل ممنوع است، کفر است.

۲- به این جماعت از جانب کشورهای منطقه هم برخورد کرده است. در این صحبت ده کلمه ای اسرائیل با کشورهای منطقه، یعنی خاورمیانه و شمال آفریقای بیست و چند سال پیش مقایسه شده است.

صفحه ۸

## سنگ پرانی دوباره چپ پوپولیست به

### منصور حکمت

#### آذرماجدی

اخیرا بخشی از چپ حملات سنتی خود علیه منصور حکمت را از سر گرفته است. تعدادی مثل گروه گر و وارد صحنه سوشیال میدیا شده اند و حرفها، اتهامات و بعضا اراجیفی (پوزش از لحن) را بیرون می ریزند؛ با هم سر موضوع حشر و نشر می کنند. گوش شان هم به هیچ بحث و منطوق و استدلالی بدهکار نیست. بیشتر به یک مراسم بیعت می ماند تا یک بحث و پلمیک سیاسی. سوال اینجاست، چرا؟ این بیعت علیه حکمت چرا ضروری است و چرا در این چند ماه اخیر داغ شده است؟

منصور حکمت جنبش چپ و کمونیستی در ایران را متحول کرد و تأثیرات سیاسی- تئوریک قابل توجهی در جنبش کمونیستی در عراق و در سطح بین المللی داشت. نقد مارکسیستی منصور حکمت از جنبش پوپولیستی، جنبش "ضدامریکایی"، افشای اسطوره بورژوازی ملی و مترقی، نقد مارکسیستی مساله شوروی، بلند کردن پرچم استقلال طبقه کارگر و شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری ستون های یک جنبش کمونیستی کارگری رادیکال بر مبنای مارکسیسم را در ایران پایه گذاری کرد. منصور حکمت در زمان حیات کوتاه خود دو حزب قوی و تأثیر گذار ساخت.

باید بخاطر بیاوریم که زمانی که منصور حکمت پرچم "استقلال طبقه کارگر" را بلند کرد، اسطوره بورژوازی ملی و مترقی را افشاء کرد، زمانیکه جنبش مارکسیسم انقلابی را پایه گذاری نمود، بخش وسیع چپ یا از خمینی دفاع می کرد یا به او و جنبش اسلامی حاکم برخورد دوگانه داشت. از وجه "ضدامپریالیستی" این امپریالیستی ترین کالای سیاسی، دفاع می کرد. بعضا "حجاب را مساله زن کارگر و زحمتکش" نمی دانستند. همان کلمه "طاغوتی" اسلامیستی را برای انزجار از غرب بکار می بردند؛ آل احمد و طالقانی را انقلابی می دانستند؛ این چپ دهه پنجاه بود. در بطن مبارزه طبقاتی سخت و حادی که در جامعه در جریان بود، تحولات چشمگیر و عمیقی در جنبش کمونیستی ایران شکل گرفت که منصور حکمت نقشی بسیار مهم، اساسی و تعیین کننده در آن ایفاء کرده است.

کسانی که به منصور حکمت حمله می کنند و بویژه قصد دارند او را مدافع آمریکا و غرب در صحنه سیاست قلمداد کنند، از طیف توده ایستی - اکثریتی تا چپ های پوپولیست ناسیونالیست، شرق زده، طرفدار آل احمد و مخالف رژیم اسلامی را در بر می گیرد. اینها همان چپ ده پنجاهی هستند که یا در همان مواضع فریز شده اند یا تغییراتی سطحی و مد روزی در آنها رخ داده است. اینها جملگی، حال با درجات مختلف، بقول یک نفر از جماعت شان، از حکمت "نفرت" دارند. چرا؟

چون حکمت بساط "استاد" بازی و رهبری شان را کساد کرد. عقب ماندگی ایدئولوژیک، سیاسی و فرهنگی شان را افشاء کرد. بیربطی آنها را به جامعه و طبقه کارگر مدرن ایران نشان داد. پوسیدگی و ارتجاع فرهنگی ایدئولوژیک سیاست های مذهبی - زن ستیزانه شان که بویژه در ادبیات "هنرمندان" این طیف برجسته می شود را آشکار کرد. حکمت درست نقطه مقابل افق سیاسی - ایدئولوژیک این جماعت را نمایندگی می کند. اما چرا این نفرت را به این شکل بیرون می ریزند؟ به این دلیل که موجودیت خود را در برابر جنبش کمونیستی که در ایران ریشه دوانده و از حکمت تغذیه می کند، در خطر می بینند.

**برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!**

نمایندگان خود را داشتند. روزنامه ها از درجه ای از آزادی برخوردار بودند؛ نمونه همین نشریه "هارتز" که بیشتر این جماعت از آن نقل قول می کنند در اسرائیل آزاد است. گیدون لوی که اینها این چنین به عرش اعلاء می برند، سردبیر همین نشریه است. این حرفها را می زند و آنها نقل می کنند و هنوز دستگیر نشده است. بسیاری از جنایات اسرائیل را همین نشریه منتشر کرده است. چنین پدیده ای را در هیچیک از کشورهای دیگر منطقه نمی توانستید و نمی توانید پیدا کنید. علت این برآشفتگی غلط بودن یا پرو اسرائیلی بودن گفته منصور حکمت نیست، ویران شدن برج مقوایی شان در مورد دموکراسی و جنبش مقاومت اسلامی یا ناسیونالیستی است. آبروی شان رفته، خشمگین شده اند.

این جماعت بار دگر دارد به صحرای کربلا می زند. تا زمانیکه این جنبش در قید حیات است، خشم و نفرتش را متوجه حکمت و جنبش کمونیستی ای که او نمایندگی می کرد، خواهد نمود. این دوجنبش نافی یکدیگرند. یکی به آینده و دیگری به گذشته متعلق است. خیزش انقلابی، رادیکال و پیشرو سال گذشته در ایران این جماعت را به استیصال و افسردگی دچار کرده است. خشم شان را بر سر حکمت خالی می کنند. چرا که می دانند آینده به او و جنبشی که او نمایندگی می کند تعلق دارد. کمونیسم منصور حکمت، کمونیسم آزادیخواه، برابری طلب و انساندوست است.

۷ دسامبر ۲۰۲۳

## سنگ پرانی دوباره چپ پوپولیست به

منصور حکمت

آذرماجدی

ببینیم درباره چه کشورهایی صحبت می کنیم: عربستان سعودی و کشورهای خلیج مانند دبی و قطر، جمهوری اسلامی ایران، سوریه، مصر، لیبی، عراق و افغانستان و لبنان و اردن، برخی از این کشورها اکنون ویرانه و نابود شده اند؛ این جوامع همگی بدون استثناء تحت دیکتاتوری مطلق زندگی کرده و می کنند. سرکوب آزادی های سیاسی، مدنی، فردی، مذهبی، در تمام این جوامع یک امر پیش و پا افتاده بوده است. صحبت از آزادی بیان و اعتراض در این جوامع با اسارت و شکنجه روبرو می شود. عموم این دولت ها نیز دست نشانده آمریکا و ناتو بوده اند. حالا در چنین متنی باید پرسید چرا این جماعت این چنین بهشان بر خورده که گفته شده اسرائیل به لحاظ سیاسی دموکراتیک تر است؟

در اسرائیل، بویژه بیست و چند سال پیش، انتخابات با میزانی از آزادی برگزار می شد مثل اروپا، فلسطینی های شهروند اسرائیل هم حزب و

گرفته اند و از میان سنگلاخها، مقاومت و آزادی را زیست می کنند. چرا که تنها چیزی که از خود آزادی زیباتر است، ایستادن برای آن است.

به امید روزی که دانشگاه و دانشجو آزاد باشند

## یابیه جمعی از دانشجویان دانشکده هنرهای

زیبای دانشگاه تهران به مناسبت روز

دانشجو

به یاد تمام دوستانمان که امروز در بند هستند و یا  
اخراج و تعلیق شده اند



باری دیگر روز دانشجو فرا رسید. دوباره همان جشن های همیشگی و تئاتر تکراری و تو خالی که فقط پست بودن شما را نشان می دهد. همان نمایش تکراری که به وسیله آن سعی دارید ظلم و ستمی که هر روزه به دانشجویان روا می شود را پنهان کنید. گل و شیرینی که امروز به ما هدیه می دهید تهدیدها و سرکوب های همیشگی شما را جبران نمی کند بلکه نمکی است که روی این زخم می پاشید و صدای فریاد دردمندان را نشنیده می گیرید. این فریادی است که تا رسیدن به آزادی و برابری ادامه دارد.

روز دانشجو نه تنها تیریک ندارد بلکه نشانگر ظلم و ستم بی وقفه شما نسبت به ماست. ما دانشجویانی که فریاد آزادی می زدیم و می خواستید فریادمان را در نطفه خفه کنید. با سنگدلی روزهایی که باید قشنگ ترین روزهای زندگی مان باشند را تیره و تار کردید و انتظار دارید در مقابل این همه ظلم و ستم سکوت کنیم و با لبخند روز دانشجو را به یکدیگر تبریک بگوییم.

ما دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بر همه آن کسانی که فریاد دادخواهی می زنند و در مقابل بی حرمتی هایی که به مقام دانشجو وارد شده ایستادگی میکنند درود میفرساییم و از آنها می آموزیم. باشد که سال های آینده در ایرانی بهتر و آزاد، این روز را در کنار هم جشن بگیریم و به شجاعت امروزمان افتخار کنیم. ما تا آن روز برای رسیدن به هدفمان متوقف نخواهیم شد و دست از مبارزه نخواهیم کشید.

زنده باد مبارزه زنان، دانشجویان، کارگران، معلمان و تمام گروه های ستم دیده که برای آزادی، مرزهای تعیین شده را به بازی و سخره



شورا مجمع عمومی سازمان یافته و منظم است!





می کنند و برایش جان می کنند، است.

جریانات راست و فاشیست در داخل و خارج ایران احساسات کاذبعتمت طلبی ایرانی را به رخ پناهجویان افغانستانی می کشند و به فضای نفرت و انزجار علیه آنان دامن می زنند.

یک ماه و نیم قبل داریوش مهرجویی و همسرش و خانم وحیده محمدی فر در منزل شخصی بطور فجیعی از نوع قتل‌های زنجیره‌ای به قتل رسیدند و پلیس

امنیتی خیلی سریع قتل آنان را به دو مهاجر افغانستانی نسبت داد. با این حساب دیواری از دیوار پناهجویان افغانستانی کوتاهتر گیر نیاورند. نفرت پرانی علیه افغانستانی‌های مقیم ایران از جانب رژیم و پاپوش دوزی و هتک حرمت آنان به قدمت خود رژیم است و این نه یک ادعا بلکه یک حقیقت انکار ناپذیر است.

هزاران داستانسرای در باب میهمان نوازی ما ایرانیان زبازد خاص و عام است، اما هنگامی که به پناهجویان افغانستانی میرسد جز تحقیر و بی حرمتی چیز دیگری از این "مهر ورزی" نسیب اشان نمی شود یا بخش زیادی از آنان از آن محروم هستند.

باید این فضای مسموم را در هم بشکنیم. کودکانشان حق تحصیل رایگان از شان سلب می شود، به کودکانی که پدر افغانستانی دارند شناسنامه نمی دهند و تردد آنان در ۱۶ استان ممنوع شده و تابلوها و بیلبردهای نژادپرستانه علیه‌اشان می نویسند. حد اقل پنج میلیون ایرانی در خارج کشور زندگی می کنند. از کار در پیتزا شاپها و کارهای خدماتی و ساختمانی و بیمارستان و رستوران و غیره اشتغال دارند و سالمندانشان و معلولین شان از خدمات این جوامع غربی بهره‌مند هستند و همچون سایر شهروندان کشور میزبان عمدتاً بعنوان شهروندان این جوامع برسمیت شناخته شده‌اند و در سوخت و ساز سیاسی و اجتماعی این جوامع سهیم هستند. بیایید با همان دید به افغانستانی‌های مقیم ایران بنگریم و آنان را با خود در مقابله با جنایتکاران حاکم بر تهران و کابل متحد کنیم و بر این جمعیت انسانی تأثیر بگذاریم. جریانات راست می گویند افغانستانی "تأثیر مخرب" بر فرهنگ ما ایرانیان می گذارند، اما ما در عوض می گوئیم چرا ما که ۸۰ میلیون جمعیت داریم چرا بر آنان "تأثیر مثبت" نگذاریم؟! در هیچ جامعه‌ای همگی نادان نیستند بلکه مقوله‌ای نسبی است. مگر آنان که در زندانها مشغول تجاوز به عزیزان ما هستند و یا شکنجه می کنند ایرانی نیستند؟! مگر حاکمین جنایتکار ایران زاده این کشور نیستند؟! بنابر این اتفاق، محل تولد شرافت انسانی ما را تعیین نمی کند، بلکه درجه شعور و درایت انسانی ماست که تعیین کننده است و به همین دلیل باید حساب خود را از دولتمردان جنایتکار جدا کنیم.

جای بسی خوشحالیست که در میان این فضای نژادپرستانه "شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران" ابراز وجود کرده و نوری بر این تاریکی انداخته و از حق حیات و کرامت انسانی و تحصیل رایگان فرزندان افغانستانی‌های مقیم ایران و سایر پناهجویان خارجی مقیم ایران، دفاع کرده است.

جا دارد از همینجا خطاب به فعالین و تشکلهای و نهادهای کارگری و مترقی بخواهیم که زیر بار مسئولیت خطیر و تاریخی خود نسبت به هموعان و هم سرنوشتان و بویژه هم طبقه‌ایهایشان شانه خالی نکنند. این عرصه کار شما و مبارزه اجتماعی شماست. به حکم انسان بودنمان باید از فراریان جهنم طالبان حمایت کنیم. با چنین رفتارهایی است که میتوانیم به جای تخم نفاق و "بیگانه" سنیزی بذر هم سرنوشتی طبقاتی را بیفشانیم. در نبردهای سرنوشت ساز طبقاتی آتی در ایران و افغانستان این تنها برگ برنده ما خواهد بود.

سعید آرمان

پنجشنبه ۱۶ آذر ۱۴۰۲ برابر با هفتم دسامبر ۲۰۲۳

## قتل یک جوان ۱۷ ساله در شهر میبد یزد خشمی غیر انسانی علیه هموعان افغانستانی

سعید آرمان

پنجشنبه شب ۹ آذرماه امیر رضا آقایی نوجوان جوان ۱۷ ساله اهل میبد یزد در یک واقعه دلخراش به قتل رسید. یکی از مقامات امنیتی استانداری یزد قاتل این جوان را یکی تبعه افغانستان معرفی کرده است.

روز بعد از این واقعه، مردم در نماز جمعه دست به اعتراض زدند و این اعتراض به محل استقرار پناهجویان افغانستانی سرایت می کند و بدنیا آن شاهد نفرت غیر قابل وصف هزاران نفر از مردم میبد علیه هزاران افغانستانی مستقر در شهرک مخصوص پناهجویان در نزدیکی میبد یزد بودیم. آنان خشمگینانه شهرک را به آتش کشیدند و فضای ارباب و خشونت را بر شهر میبد و منطقه علیه فراریان جهنمی که وحوش طالبان برایشان پدید آورده است، مسئولی کردند. خشمی غیر انسانی و نژادپرستانه علیه هموعانی بی تقصیر که جرمشان تولد در جغرافیایی است که جنایتکاران طالبان بر آن حکم می رانند.

مردم افغانستان حد اقل در ۴۴ سال گذشته یک روز آرامش بخود ندیده‌اند و در طول این همه سال به کشورهای پیرامونشان گریخته‌اند و سکنی گزیده‌اند و بخشا با تحمل مخاطرات زیاد خود را به اروپا رسانده و با کار و رنج خود به زندگی سامان داده‌اند. با روی کار آمدن وحوش طالبان بار دیگر میلیونها نفر از بیم جان خود کشورشان را ترک و آواره ایران و پاکستان و بخشا سایر نقاط جهان شده‌اند.

افغانستانی‌هایی که آزادی و کرامتشان هر بار توسط یکی از جانوران حاکم از جمله مجاهدین و طالبان، دولت غنی و مجدداً وحوش طالبان لگد مال شده است و اکنون مضافاً بر محدودیت آزادیهای فردی و اجتماعی فقر وسیع و بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله معیشت و حیات آنان را دچار سختی و تنگنا کرده است. به همین دلیل برای زنده ماندن مرزها را طی میکنند و پی این همه حقارت و توهین را به تن می مالند و دولتهای جنایتکار ایران و پاکستان هم دست کمی از طالبان در برخورد به این انسانهای زحمتکش ندارند.

رژیم اسکان و تردد افغانستانی‌های مقیم ایران را در ۱۶ استان ممنوع کرده و نفس این عمل نژادپرستانه راه را به بخشی از مردم که صورت مسئله را از جنایتکاران حاکم پذیرفته‌اند، هموار می کند و به چنین خصومت‌هایی دامن می زنند و به جای پاشیدن بذر نودوستی و هم سرنوشتی تخم نفاق می کارند.

چند روز بعد از قتل این نوجوان ۱۷ ساله در نزدیک برج ایفل پاریس جوان ۲۶ ساله ایرانی با چکش و چاقو به جان مردم افتاد و یک جوان توربست ۲۳ ساله آلمانی را با چکش به قتل رساند و چند نفر دیگر را زخمی کرد. با انتشار این خبر هیچ فرد ایرانی، هیچ مغازه و رستوران متعلق به ایرانیان مقیم فرانسه و آلمان و آن دهها هزار پناهنده‌ای که در این کشورها کار و زندگی و تحصیل می کنند مورد هجوم و نفرت قرار نگرفته‌اند. این ساده ترین و طبیعی ترین توقع از مردم ایران در برخورد به هموعانشان، به انسانهایی که جنگ و ناامنی فرار کرده اند و جویای نرهای آزادی و لقمه‌ای نان هستند و اثر آن تنها گدایی نمی کنند بلکه با رنج کار خود طلب

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!



شرایط نامیدکننده باشد، اما درس تجربه قیام ۱۳۵۷ به‌عنوان برگ قابل توجهی در تاریخ گویای این است که اتفاقاً وقتی یک رژیم تمامی روزنه‌های تغییر رفتار خود را بسته و تمام خیمه‌ش‌بازی‌های انتخاباتی و مشارکت جویانه و سوپاپ‌های اطمینان خود را از دست می‌دهد، تازه در معرض سقوط قرار دارد.

محمدرضا پهلوی نیز در شرایطی

سقوط کرد که خود را در اوج قدرت منطقه‌ای می‌دید و به ظفار عمان نیروی زمینی و به جنوب وینتام نیروی هوایی برای کمک به آمریکا علیه نیروهای چپ گسیل می‌داشت. شاه در شرایطی سقوط کرد که وفور درآمدهای نفتی پس از جنگ اعراب و اسرائیل او را به واردات گسترده تسلیحات و اجناس مختلف ترغیب کرد و در شرایط توریستی چنان از خود مطمئن بود که دستور انحلال سازمان برنامه و بودجه را داد. او چنان از آینده خود مطمئن بود که خود را بی‌نیاز از مشارکت نمادین و صوری در انتخابات ارزیابی کرده و در عین حال دستور انحلال دو حزب "ایران نوین" و "مردم" در اسفند ۱۳۵۳ را داده و حکومت یک حزبی را با معرفی «حزب رستاخیز» اعلام کرد.

در سال‌های ۱۳۵۵ چنان از نابود شدن اپوزیسیون خود مطمئن شد که بدون واژه از توصیه‌های حقوق بشری کارتر، در میان بخشی از مخالفان بریده و وامانده مراسم «سپاس شاهنشاه» راه انداخت. شاه دقیقاً در اوج مستی ناشی از قدرت زیرپای خود را خالی کرد و چنان از خودش مطمئن بود که مهره‌های مهمی مثل هویدا را از دور خود به راحتی دور کرد. اما تصور نمی‌کرد که روزی چنان دچار بحران شود که باید مهره دیگری مثل بختیار را از زندان آزاد کرده و نخست وزیر خود کند!

جمهوری اسلامی نیز به‌عنوان یک رژیم درس گرفته از گذشته در شرایط کنونی خود را در یک موقعیت کاملاً تثبیت شده می‌بیند. که هم اپوزیسیون خودش از چپ و راست داخلی و خارجی را مهار کرده و هم خطرات خارجی را از تحریم و جنگ و دیگر درگیری‌های منطقه‌ای را از سر گذرانده است. در چنین شرایطی پس از سال ۱۳۹۸ به این برآورد رسیده که دیگر نیازی به مشارکت سازی و جلب نیروهای میانه‌رو و اصلاح‌طلب نیز ندارد و می‌تواند در راستای اهداف خود تخته گاز براند. این میزان اعتماد به‌خمس امنیتی دقیقاً گویای پوسیدگی از درون است و جنبش دانشجویی در شرایط کنونی موقعیتی دارد که باید براساس شناخت چنین موقعیت دوگانه رژیم، رفتار خود را سامان دهد. این شناختی است که می‌تواند میان اظهارات چهره‌های سیستم در صداوسیما رژیم مثل عباراتی چون «مملکت مال حزب اللهی هاست... هرکس نمی‌خواهد می‌تواند برود» و اظهارات شاه در سال‌های آخر که گفته بود «هرکس نمی‌خواهد عضو حزب رستاخیز شود یا نظام شاهنشاهی را قبول ندارد پاسپورت خود را بگیرد و برود» ارتباط برقرار کند؛ شناختی که پرده از پوسیدگی و شکنندگی سیستم برمی‌دارد و امید را دوباره به جامعه برای کنش و تعرض به سیستم بازمی‌گرداند.

در واقع ما با سیستمی مواجه هستیم که از یکسو از درون به دلیل انواع و اقسام بحران‌های عمیق اقتصادی و نارسایی‌های فرهنگی و اینتولوژیک خود پوسیده و از سوی دیگر به دلیل همین شکست‌های درونی، ناگزیر تمامی قوه و تمام خود را روی بازوهای سیاسی-امنیتی-پلیسی-نظامی خود متمرکز کرده است. تمثیلی که در این زمینه می‌توان از وضعیت رژیم داشت این است که این سیستم مانند یک میوه کروی شکل است که محتویات آن از شدت پوسیدگی و گندیدگی به حالت نیمه جامد و بسیار نرم و شکننده درآمده اما پوسته آن مانند پوست گردو محکم است. انواع بحران‌های ناشی از تورم (یا به تعبیر علمی، خلع

## وظایف جنبش دانشجویی در دوره "خفقان

### شکونده

#### سمیرا دولت شاهی

روز دانشجوی سال ۱۴۰۲ در شرایط متفاوتی برگزار می‌شود. از سویی خفقان و برخورد شدید با جنبش دانشجویی به‌عنوان بخش آگاه و پیشروی جامعه پس از خیزش انقلابی شهریورماه و پاییز سال گذشته به اوج خود رسیده و از سوی دیگر، در این شرایط پلیسی که اغلب فعالان دانشجویی مهر برخوردهای انضباطی و قضایی بر پیشانی دارند، کار برای این جنبش چه بسا سخت‌تر و دشوارتر از سایر جنبش‌های زنان، کارگری و.. است.

تا پیش از این گمان می‌شد که جمهوری اسلامی به‌عنوان رژیمی که برای وجهه و آبروی خود خطوط قرمزی در برخورد با دانشگاه قائل است و به صورت نمایشی و اکواریمی برخوردی که در خیابان با معترضان می‌کند، به شکل ملایم‌تری با دانشجویان -که در پیش چشمان رسانه‌ها و افکار عمومی داخلی و خارجی بیشتر مورد توجه هستند- برخورد می‌کند. اما از سال گذشته با اقداماتی از جمله حمله مستقیم نیروهای لباس شخصی و یگان‌های پلیس و حتی شلیک گلوله و گاز اشک‌آور داخل محیط دانشگاه، این پرده‌های نازک که از سر تعارف توسط رژیم میان حریم دانشگاه و خیابان گذاشته بود، دریده شد و لایه‌های سرکوب عریان گریبان دانشجو و حتی به‌طور گسترده اساتید منتقد را در بر گرفت.

این درحالی است که علاوه بر شبیه شدن سطح برخورد با دانشجو در خیابان و زندان با شهروندان معترض عادی، همزمان فضای دانشگاه محیطی است که به دلیل احاطه شدیدتر امنیتی دستگاه‌های پلیسی و همچنین نیروهای حراست و انواع و اقسام سیستم‌های کنترلی و دوربین‌ها و رصدهای مختلف مجازی و حضوری، بیشتر در معرض برخوردهای متعدد قرار دارند.

در یک مقایسه نسبی، شرایط پس از خیزش انقلابی در دانشگاه فضایی مانند سال‌های پس از ۱۳۸۸ ایجاد کرده که حتی تشکل‌های نمایشی و قانونی ظاهراً مخالف‌خوان (مثل انجمن‌های اسلامی وابسته به جریان اصلاح‌طلب حکومت) نیز در بسیاری از موارد توقیف و فعالیت‌شان تا جای ممکن محدود شده است. این درحالی است که انتخابات مجلس جمهوری اسلامی نزدیک است و برخلاف تصور برخی فعالان سیاسی، رژیم بدون نیاز به هرگونه خیمه‌ش‌بازی پیشا انتخاباتی برای گرم کردن تنور انتخابات، به صورت عریان فضا را بسته و پیشاپیش خود را بی‌نیاز و مستغنی از مشارکت انتخاباتی جلوه داده است. لذا نیازی نیز به بازکردن نمایشی فضا نخواهد داشت.

در چنین شرایطی جنبش دانشجویی با دشمن دیگری نیز بیرون از حاکمیت مواجه هستند که در جنبش دانشجویی چنان دست پایین را دارد که نیروهایش از تعداد بسیجیان و مزدوران درون کلاس و محیط دانشگاهی نیز کمتر است. اپوزیسیون راست سلطنت طلب با حمله دائمی خود به روشنفکران، دانشجویان و دانشگاهیان، پیشاپیش موضع خود را در قبال دانش، مطالعه، علوم انسانی و فهم و شعور مشخص کرده است. جنبش راست ملی عظمت طلب در جامعه هنوز با تمام وقاحت لمین-شکنجه‌گرانی مانند شعبان جعفری و پرویز ثابتی را فهران خویش معرفی می‌کند. هر کنشی در فضای دانشگاه پیشاپیش ولو بدون اعلام موضع در قبال این جماعت، یک تو دهنی به راست عظمت طلب ناسیونالیست بحساب می‌آید.

در ابتدا شاید برای دانشجویی که تازه در این فضای نوین قرار دارد،

## وظایف جنبش دانشجویی در دوره "خفقان"

شکونده

سمیرا دولت شاهی

لذا آرایش طبقاتی دانشگاه کاملاً به نفع طبقه سرمایه‌دار تغییر کرده و دیگر امیدی به شکل‌گیری نیروی هوادار منافع طبقه کارگر در دانشگاه نیست. ضمن اینکه دیگر چنین دانشگاهی با چنین بافتی از ورودی که باید از کلاس‌های کنکور چند میلیونی و مدارس غیرانتفاعی گران‌قیمت به کرسی آکادمی رسیده باشند، اساساً دیگر سیاسی نخواهد بود. اما حضور پر رنگ دانشگاه در خیزش انقلابی پس از قتل مهسا امینی این ایده را باطل کرد. به‌ویژه اینکه کمترین شعارها به نفع اپوزیسیون بورژوازی و همچنین کمترین میزان همراهی با بخش راست و سلطنت طلب نیز در دانشگاه مشاهده شد.

رسالت کادرسازی در چنین شرایطی با توجه به شرایط خفقان موجود قطعاً باید به صورت مخفی صورت بگیرد، اما این رسالت که ناشی از شرایط خاص پوسته سخت امنیتی و نظامی-سیاسی موجود رژیم است، نباید نافی مبارزه روزمره صنفی، اجتماعی و فرهنگی روزمره دانشگاه علیه تحمیل فقر، آموزش پولی، حجاب اسلامی و سایر تحمیل‌های فرهنگی و فشارهای اقتصادی باشد. پرچم مبارزه برای آزادی و برابری باید در دست چپ‌ها در دانشگاه باقی بماند. مبارزه در سطح اجتماعی حول همان هسته و گوشته‌ی پوسیده و سترون سیستم در قالب مبارزات روزمره صنفی، اعتراض به سرکوب کارگران و همچنین اعتراض علیه تحمیل پوشش در عین یک کنش روتین در سطح عمومی دانشگاه، خود در عین حال سیاسی‌ترین کنش موجود است و از بستر چنین مبارزه‌ای، نیروهای جدی سیاسی یکدیگر را پیدا خواهند کرد.

تاکید روی همین شکل اجتماعی و جنبشی در مبارزات روزمره دانشگاه است که دانشجوی آزادیخواه و برابری‌طلب را از دانشجویی که مسئله او حمله نظامی به ایران و به اصطلاح (رهایی) توسط شاهزادگان و آقازادگان رنگارنگ است و همچنین از دانشجویانی که تنها افق خود را فعالیت روی گسل‌ها و شکاف‌های قومیتی و قبیله‌ای است، تمایز می‌بخشد. همچنین اولییتی که که این مبارزه بر امر داخلی و درونی جنبش دارد، وجه تمایز این بخش از جنبش دانشجویی با خرده‌نیروهای موسوم به «محورمقاومتی» است که تمامی تمرکز خود را روی نزاع‌های جهانی و ژئوپولیتیک قرار دادند. آنان نماینده آن بخش سرخورده از «پیوند» با طبقه کارگر هستند که چون خود را عاجز از ربط ارگانیک و سازمان‌یافته با کارگران می‌دانند، همواره به دلیل احساس خطر از «سرقت انقلاب» و «هایجک شدن مبارزه کارگران» درمقابل استبداد و استعمار علیه کارگران «لال» می‌شوند.

ما خطاب به این بخش از معدود نیروهای دانشگاه نیز از مدت‌ها پیش این مسئله را گفتیم که «لال» ماندن شما در قبال ستم هر روزه به طبقه کارگر ایران و تمرکز صرف بر مبارزه با امپریالیسم و معرفی آن به عنوان «تنها تضاد اساسی» اتفاقاً راه را برای تحقق «سناریوی سیاه» و جنگ امپریالیستی هموار می‌کند؛ زیرا تنها راه حذف خطر جنگ روی سر ایران، سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی با محوریت طبقه کارگر است و اگر تصور می‌شود هژمونی و برتری چپ جامعه وجود ندارد، راه حل آن ایجاد این هژمونی است؛ این بسیار روشن و آشکار است که راه حل رفع تشنگی، اقدام برای «خوردن آب» است و به جز این، دیگر راهکارها مصداق «تلقین عدم تشنگی» و «گفتاردرمانی» برای فرد افلیح است!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم!

زنده باد سوسیالیسم!

۱۲ آذر ۱۴۰۲

مالکیت اموال و پس‌اندازهای جامعه مزدبگیر و حقوق بگیر از طریق کاهش ارزش پول ملی، بحران اشتغال نامتوازن، بحران ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی و اقدامات احمقانه و در عین حال ضد کارگری و بی‌فایده مثل افزایش سن بازنشستگی، برنامه ریزی برای شوک‌های قیمتی پیاپی به قیمت‌های کلیدی مثل نان و بنزین و... در کنار انواع و اقسام بحران‌های فرهنگی و ایدئولوژیک سیستم مذهبی با نسل جوان جامعه، این سیستم را از درون به موقعیت غیرقابل بازگشت رسانده است. جامعه‌ای که به تحریم مساجد، حجاب سوزان و درگیری دائمی سیستم برای حفظ حجاب به زور اسلحه و جریمه‌های میلیونی رسیده، قطعاً روی دنده خلاص فرهنگی قرار دارد.

در چنین شرایطی رسالت اصلی جنبش دانشجویی هدف گرفتن همین هسته و گوشته پوسیده سیستم است. مسائلی مثل سرکوب روزمره سیاسی، انتخابات‌ها، نزاع‌های نظامی و امنیتی در سطح جهان و منطقه قطعاً مهم هستند. همچنین دشمنان موجود در اپوزیسیون راست ضد مردمی و وابسته نیز مسئله‌ای غیرقابل چشم‌پوشی نیست. اما باید در کنار تمامی این موضوعات سیاسی و امنیتی و نظامی روزمره (از موضوع جنگ غزه تا تهدید نظامی کردستان عراق و فضای خفقان سیاسی در خیابان و دانشگاه) آنچه که مستقیماً مربوط به سوخت و ساز زیست روزمره مردم است، دقیقاً همان نقاط ضعف اصلی و پوسیدگی‌های سیستم است.

تحمیل حجاب اسلامی، تحمیل فقر و فلاکت و تضعیف توان چانه زنی طبقه کارگر به صورت روزمره، سرکوب مزدی و فساد لجام گسیخته در عین تحمیل سبک زندگی ارتجاعی با سیاست‌های فرهنگی مربوط به خانواده، گویای این تلاش است که سیستم به شکل روزمره تلاش دارد با ابزارهای سیاسی، امنیتی و نظامی بحران‌های اقتصادی، شکاف طبقاتی و ارتجاع فرهنگی حاکم را به زور سرنیزه حفظ کند و دیگر ابزارها و بازوهای اقتصادی و فرهنگی و تبلیغاتی و نرم آن کار نمی‌کند. در چنین شرایطی که رژیم صرفاً محتاج به استفاده از قدرت سخت است، کوچکترین پارگی روی پوسته سیاسی-امنیتی آن می‌تواند این سیستم را دچار شکنندگی کند. این ترک خوردگی و پارگی توسط نیروی پیشگام انقلابی قابل رقم خوردن است و شرط آن نیز وجود کادرهاست.

هرچند پیشروترین نیروی هر انقلابی در عصر کنونی باید طبقه کارگر باشد، اما در سطح کادرسازی، دانشگاه نیز یکی از بهترین بسترها برای کادرسازی محسوب می‌شود؛ دانشگاهی که پیشاپیش قرار است مقصد بخش قابل توجهی از خروجی‌های بازار کار باشد و نیروهای آن به «کارگران متخصص» و «کارگران فکری» و «و حتی گاه» کارگران ماهر یدی «بدل شوند و قرار نیست همه آن‌ها سرمایه‌دار و افراد میانه حال طبقه متوسط با کسب و کارهای خویش‌فرما باشند. بخش قابل اعتنايي از نیروهای چنین محیطی در بستر آکادمیک، دانشجویانی هستند که منافع مشترکی با مبارزه روزمره طبقه کارگر ایران برای رفاه و معیشت حداقلی دارند و گاه خود فرزند کارگران، بازنشستگان، معلمان و پرستاران و زحمتکشان این جامعه هستند.

تا پیش از این برخی تصور می‌کردند که چون جمهوری اسلامی به‌عنوان یک سیستم پیش‌برنده سیاست‌های سرمایه‌سالارانه در حوزه بهداشت و آموزش، نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها را پولی کرده است،

مرگ بر جمهوری اسلامی!



## باشکوهترین اعتراضات معلمان استان سلیمانیه

### نیه در اقلیم کردستان عراق

تنظیم گزارش سعید آرمان

بیش از ۵۸۰۰۰ معلم در استان سلیمانیه بیش از دو ماه است که در طولانی‌ترین اعتصاب معلمان در تاریخ کردستان برای دستمزد عقب افتاده دست به اعتصاب زده اند و نزدیک به یک میلیون دانش آموز بدون معلم مانده اند.

در حالی که نیروهای امنیتی عراق از رفتن صدها نفر به میدان تحریر بغداد، پایتخت این کشور جلوگیری کردند اما بیش از ۱۰۰۰ نفر در ۲۶ نوامبر در آنجا تجمع کردند و خواسته های خود را برای پرداخت منظم دستمزد ماهانه و استخدام دائمی معلمان غیرقراردادی فریاد زدند.

#### اتحادیه معلمان عراق از معلمان کردستان حمایت کرد.

کارگران از دولت عراق می‌خواهند که پرداخت دستمزد آنها را به عهده بگیرد و می‌گویند که دولت اقلیم کردستان از زمانی که صادرات نفت آنها در ماه مارس مسدود شده است، قادر به انجام این کار نیست. مردم کردستان از دیرباز در عراق و همچنین در ایران، ترکیه و سوریه با ستم ملی روبرو بوده اند.

معلمان و سایر کارمندان دولتی در سلیمانیه تابستان امسال حدود ۹۰ روز دستمزد دریافت نکردند تا اینکه دولت فدرال موافقت کرد که برای پرداخت آنها به اقلیم کردستان پول قرض دهد. معلمان برای ماه های سپتامبر و اکتبر حقوق نگرفته اند.

نیروهای امنیتی عراق روز یکشنبه سوم دسامبر (ماه جاری) از رسیدن صدها معلم از اقلیم نیمه خودمختار کردستان به بغداد، پایتخت این کشور، جلوگیری کردند، زیرا کارکنان آموزش و پرورش از دولت فدرال خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند. معلمان بخش دولتی در استان های سلیمانیه و حلبچه از اواسط سپتامبر کلاس ها را تحریم کرده اند زیرا دولت اقلیم کردستان (KRG) که بر مناطق تحت کنترل شمال عراق اداره می‌شود، ماه ها حقوق پرداخت نکرده است.

وقتیکه پاسخی به معلمان از طرف دولت اقلیم کردستان داده نشد، معلمان تصمیم گرفتند مطالبات خود را به بغداد، نزد دولت فدرال



عراق ببرند و به سمت میدان التحریر حرکت کنند اما مسیر آنها توسط نیروهای امنیتی مسدود شد.

عثمان گلپی، یکی از معلمان و فعالان اصلی این تظاهرات، به رسانه "نیو عرب" گفت: «نیروهای امنیتی عراق در اولین ایست بازرسی نزدیک کرکوک به ۳۱ اتوبوس پر از معلمان کردستان اجازه ندادند به سمت بغداد بروند.

مقامات عراقی به ما گفتند که مقامات مافوق به آنها دستور داده اند که اجازه عبور از ایست بازرسی را ندهند، اگرچه ما قبلاً مجوز رسمی برای برگزاری تظاهرات در بغداد گرفته بودیم. معلمان جاده اصلی سلیمانیه - اربیل را مسدود کردند اما پس از تهدید نیروهای امنیتی عراق آنها به اعتراض پایان دادند.

اگرچه از رسیدن تظاهرات اصلی به پایتخت جلوگیری شد، اما نزدیک به ۲۰۰ معلم از اقلیم کردستان که چند روز قبل وارد بغداد شده بودند، موفق شدند روز یکشنبه سوم دسامبر همزمان با سلیمانیه تظاهراتی را در میدان تحریربغداد برگزار کنند.

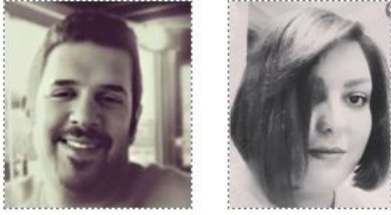
معلمانی که دست به اعتصاب زده اند روز یکشنبه گفته بودند تا زمانی که دولت اقلیم کردستان به خواسته های آنها که شامل افزایش حقوق و پرداخت حقوق معوقه ماه‌های سپتامبر و اکتبر آنها می‌شود، عمل نکند، به کلاس ها باز نخواهند گشت.

اعتراضی که در دو ماه گذشته در کلیه شهرها و شهرکها و روستاهای تابع استان سلیمانیه آغاز شده و در روز یکشنبه سوم دسامبر با راهپیمایی عظیم و جمعیت انبوه به اوج خود رسید بزرگترین و باشکوهترین اعتراض معلمان و فرهنگیان اقلیم کردستان در طی حاکمیت احزاب ناسیونالیست در بالغ بر ۳۰ سال بود. شایان ذکر است که کارمندان بخشهای دیگر در همین استان که ماه‌هاست با مشکل عدم پرداخت حقوق کامل با دولت محلی درگیر هستند، در اعتراضات اخیر، معلمان را همراهی کردند.

تنظیم گزارش  
سعید آرمان

پنجشنبه ۶ دسامبر ۲۰۲۳

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!



## ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسکری و آرش کلهر

نفت شاغل در مراکز عملیاتی عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی ناشی از تأخیر در اجرای آن، عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت.

#### اجتماع بازنشستگان صندوق بازنشستگی نفت اهواز

روز سه‌شنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۲ بازنشستگان و بازماندگان صندوق بازنشستگی نفت در اهواز در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به تجمع اعتراضی زدند.

#### اجتماع پرستاران خرم آباد

روز شنبه ۱۱ آذر ۱۴۰۲ پرستاران خرم‌آباد مقابل ستاد دانشگاه علوم پزشکی استان لرستان دست به تجمع و اعتراض زدند. پرستاران خواهان افزایش دستمزد و بهبود وضعیت شغلی و معیشتی خود هستند.

#### اجتماع پرستاران اراک

روز یکشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۲ پرستاران اراک در ادامه اعتراضات خود به نحوه اجرای قانون تعرفه گذاری و عدم اجرای فوق العاده خاص و اضافه کاری های اجباری و مفت به دلیل کمبود استخدام پرستار دست به تجمع و اعتراض زدند.

#### اجتماعات سراسری بازنشستگان مخابرات کشور

روز دوشنبه ۱۳ آذرماه ۱۴۰۲ جمع‌هایی از بازنشستگان مخابرات در شهرهای اهواز، اراک، سنندج، شهرکرد، اردبیل، اصفهان، مریوان، زنجان، خرم‌آباد، رشت، کرمانشاه، زاهدان، گرگان، همدان، تهران، شیراز و کرمان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹، رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق جمع‌ات هر هفته دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع زدند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان

روز یکشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۲ بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مقابل ساختمان صندوق فولاد اصفهان واقع در خیابان نشاط دست به تجمع زدند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان صنایع فولاد مازندران

روز یکشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۲ بازنشستگان صنایع فولاد مازندران نیز در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان صنایع فولاد البرز غربی

روز یکشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۲ بازنشستگان صنایع فولاد البرز غربی نیز در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان صنایع فولاد استان خوزستان

روز یکشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۲ بازنشستگان صنایع فولاد استان خوزستان نیز در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش

روز یکشنبه ۱۲ آذرماه ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین

اعتصاب و اجتماع هزاران نفره کارگران ذوب‌آهن اصفهان روز شنبه ۱۱ آذرماه ۱۴۰۲، بیش از دو هزار نفر از کارگران بخش‌های مختلف کارخانه ذوب‌آهن اصفهان در تداوم اعتراض خود نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان اعتصاب نموده و پس از راهپیمایی در محوطه‌ی کارخانه، مقابل ساختمان مدیریت دست به تجمع زدند. کارگران ذوب‌آهن اصفهان به سطح نازل دستمزدها، عدم اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل اعتراض دارند و خواهان همسان‌سازی حقوق‌ها با دیگر شرکت‌های فولادی، افزایش دستمزدها و دیگر آیت‌های مزدی هستند. تجمع بزرگ کارگران ذوب‌آهن با فراخوان از پیش اعلام شده برگزار شد و طی آن کارگران شیفت صبح، شب و عصر علیرغم ممانعت حراست و مدیریت در محوطه‌ی کارخانه دست به تجمع زدند. کارگران ذوب‌آهن روز یکشنبه ۵ آذرماه نیز با اعتراض از دریافت غذای شرکت امتناع نمودند.

#### دومین روز اعتراض و اجتماع کارگران ذوب‌آهن اصفهان

روز یکشنبه ۱۲ آذرماه ۱۴۰۲، علیرغم فضای شدید امنیتی در مجتمع ذوب‌آهن، هزاران نفر از کارگران در تداوم اعتراض روز گذشته خود نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست از کار کشیدند و در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند. مدیریت و حراست شرکت با همراهی نهادهای امنیتی و نیروی ویژه که در کارخانه حضور یافت، تلاش کردند از اجتماع کارگران ممانعت کنند، آنها با ارسال پیامک‌های تهدیدآمیز، احضار کارگران، گرفتن کارت ورودی برخی از کارگران و تعطیل کردن برخی بخش‌ها و اضافه‌کار برای ممانعت از تداوم اعتراض این کارگران تلاش کردند اما اتحاد کارگران این تمهیدات را شکست داد. اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل، همسان‌سازی حقوق با دیگر شرکت‌های فولادی، افزایش ترمیمی دستمزد و دیگر آیت‌های مزدی پیش از پایان سال از جمله خواسته‌های کارگران هستند.

#### اجتماع کارگران پتروشیمی آبادان

روز شنبه ۱۱ آذر ۱۴۰۲ حدود ۴۰۰ نفر از کارگران و کارکنان پتروشیمی آبادان در اعتراض به عدم دریافت یک ماه حقوق و سه ماه بیمه دست به اعتراض زدند. همینطور ۱۰۰ نیروی پیمانکار این مجتمع هم دو ماه حقوق معوق طلبکارند.

#### اجتماع کارگران پالایشگاه نفت آبادان

روز چهارشنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۲ کارگران پالایشگاه نفت آبادان در اعتراض به عدم دریافت حقوق و حق بیمه، دست از کار کشیدند و دست به تجمع و اعتراض زدند. اعتراض کارگران از پتروشیمی آبادان به پالایشگاه نفت کشیده شد.

#### ادامه اعتراض کارکنان رسمی شرکت نفت و گاز آغاچاری

روز یکشنبه ۱۲ آذرماه ۱۴۰۲ و روز چهارشنبه ۱۵ آذرماه ۱۴۰۲ کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً دست به تجمع زدند. خواسته‌های کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در مراکز عملیاتی عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی ناشی از تأخیر در اجرای آن، عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت.

#### ادامه اعتراض شرکت نفت فلات قاره ایران، جزیره سیری

روز یکشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۲ کارگران شرکت نفت فلات قاره در جزیره سیری اعتراض‌شان را ادامه دادند. خواسته‌های کارکنان رسمی وزارت

برگشت به معدن را مسدود کردند. معدن سنگ کروم این روستا که قریب ۱۳ سال است در حال کار میباشد و توسط سه فرد که سالیان درازی حق مردم را پایمال کرده اند اداره میشود اما به جوانان این منطقه کار نمی دهد و مردم این منطقه سهمی از معدن ندارند. فرماندار و سرهنگ یوسفی و رئیس کلانتری و اطلاعات در محل حضور پیدا کرده و وعده رسیدگی به خواستهای مردم را دادند.

### حقوق های معوق کارگران شهرداری خاش

در شهرداری خاش، کارگران قراردادی سه ماه و کارگران شرکتی تا پنج ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. یکی از کارگران شهرداری خاش گفته است آخرین حقوقی که دریافت کرده اند مربوط به مردادماه سال جاری است که حدود سه و نیم ماه پیش واریز شده است و به دلیل دریافت نکردن حقوق شرایط زندگی شان بسیار دشوار شده است. این در حالی است که به گفته کارگران، مدیریت شهری خاش به هزینه های غیرضروری این شهر می افزاید.

### محکومیت سپیده رشنو به ۳ سال و ۱۱ ماه حبس تعزیری

میلاد پناهی پور، وکیل سپیده رشنو اعلام کرد که وی به اتهام "انتشار تصاویر مبتذل در فضای مجازی" به چهار ماه حبس قطعی دیگر محکوم شده است که در مجموع بابت دو پرونده، به سه سال و ۱۱ ماه زندان محکوم شده است.

### آخرین وضعیت سامان یاسین در زندان قزلحصار کرج

سامان صیدی (یاسین)، از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، کماکان به صورت بلاتکلیف در زندان قزلحصار کرج بسر میبرد. حکم اعدام آقای صیدی دی ماه سال گذشته، در دیوان عالی کشور نقض و جهت رسیدگی به شعبه هم عرض ارجاع داده شد. رضا شفاخواه، وکیل دادگستری سامان صیدی نوشت: "علیرغم گذشت بیش از یک سال از صدور قرار دستگیری موکل، وی همچنان برخلاف قانون در بازداشت بسر میبرد".

### تبعید دکتر لیدا اسماعیلی به فردیس کرج

با گذشت دو هفته از سال تحصیلی نیروهای حراست به لیدا اسماعیلی از فعالین صنفی معلمان استان البرز اعلام می کنند که به استان هرمزگان، شهر بندرعباس تبعید شده است و می بایست به آنجا نقل مکان کند. این تبعید در حالی رخ داده که استان البرز با کمبود شدید معلم مواجه است. با اعتراض وی و فشار فعالان صنفی تبعید به هرمزگان متوقف می شود، اما در پی لغو تبعید، نیروهای حراستی بلافاصله مدیران ادارات را تحت فشار قرار داده و در نهایت نیروهای امنیتی شاغل در پست حراست بدون هیچ حکمی از مراجع قضایی حکم تبعید این فعال صنفی به شهرستان فردیس را ابلاغ و اجرا کرده اند.

### حسین افکاری از زندان آزاد شد

سعید افکاری برادر نوید افکاری با انتشار توییتی از آزادی پدرش حسین افکاری از زندان خبر داد و نوشت: پدرم آزاد شد. اگرچه کمی خیالمان از بابت پدرم راحت شده اما با تمام وجود نگران زندانیان در خطر اعدام هستیم. از شما مردم شریف ایران میخواهیم بار دیگر یکصدا شویم و نگذاریم عزیزترین جوانان این سرزمین طعمه ای خونخواری جمهوری اسلامی شوند.

### بلاتکلیفی ماشالله کرمی

بلاتکلیفی ماشالله کرمی در زندان مرکزی کرج ادامه دارد. برای وی قرار سنگین هفت میلیارد تومان وثیقه صادر کردند تا از آزادی وی ممانعت کنند. ماشالله کرمی، پدر محمدمهدی (کومار) کرمی، سه ماه است به صورت بلاتکلیف در بند ۱۵ زندان مرکزی کرج زندانی است.

### اجرای حکم اعدام زندانیان آبان ۹۸

سحرگاه پنجشنبه ۹ آذرماه با اذان صبح کامران رضایی صفحه ۱۵

## ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسکری و آرش کلهر

اجتماعی شوش، کرخه و هفت تپه در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته هایشان دست به تجمع زدند.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی کرمانشاه

روز یکشنبه ۱۲ آذرماه ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی کرمانشاه نیز در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته هایشان دست به تجمع زدند.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز

روز یکشنبه ۱۲ آذرماه ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز نیز در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته هایشان دست به تجمع زدند.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی اراک

روز یکشنبه ۱۲ آذرماه ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی اراک در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته هایشان دست به تجمع زدند.

### راهپیمائی اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز

روز یکشنبه ۱۲ آذرماه ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز نیز در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته هایشان مجدداً مقابل ساختمان سازمان تأمین اجتماعی این شهر دست به تجمع و راهپیمائی زدند.

### اجتماع مشترک بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی اهواز

روز سه شنبه ۱۴ آذرماه ۱۴۰۲، جمع هایی از بازنشستگان تأمین اجتماعی و کشوری اهواز مجدداً در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته هایشان مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.

### اجتماع بازنشستگان کشوری همدان

روز سه شنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۲ بازنشستگان کشوری همدان در برابر صندوق بازنشستگی کشوری این استان، در اعتراض به اجرا نشدن "همسان سازی"، سختی گذران زندگی و پایمال شدن حقوق خود دست به تجمع و اعتراض زدند.

### اجتماع بازنشستگان کشوری ممسنی

روز سه شنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۲ بازنشستگان کشوری شهرستان ممسنی در اعتراض به اجرا نشدن طرح همسان سازی حقوق بازنشستگان و پرداخت نشدن پاداش پایان خدمت بازنشستگان سال ۱۴۰۱ و سایر مطالبات خود دست به تجمع زدند.

### اجتماع لنج داران بندر ریگ

روز سه شنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۲ لنج داران بندر ریگ با سفره های خالی در مقابل بخشداری بندر دست به تجمع زدند.

### اجتماع شهروندان و کارگران معدن سنگ کروم فاریاب

روز ۱۱ آذر ۱۴۰۲ مردم و جوانان روستای پشموکی از توابع شهرستان فاریاب با شعار کار و معدن مال ماست، مسیر رفت و

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

## ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسکری و آرش کلهر

بازداشت دو نفر منجر شد. آریانا اکبری توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. روز چهارشنبه پانزدهم آذر، آریانا اکبری شهروند ساکن تهران، پس از شرکت در مراسم چهلم آرمینا گراوند توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

شریفه محمدی از فعالین کارگری گیلان بازداشت شد. ظهر روز سه‌شنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۲ شریفه محمدی از فعالین کارگری گیلان توسط مامورین وزارت اطلاعات در منزل شخصی ایشان بازداشت شد.

#### بازداشت یک فعال معلمان در ممسنی

در پی تجمع بازنشستگان ممسنی در روز سه‌شنبه ۱۴۰۲/۰۹/۱۴، روز چهارشنبه ماموران پلیس امنیت شهرستان به منزل آقای احمدی یورش برده و با صدور قرار بازداشت موقت از سوی دادستانی این فعال صنفی معلمان را به زندان شیراسپاری شهر نورآباد تحویل داده‌اند.

#### برگزاری دادگاه فرزانه زیلابی

شنبه هجدهم آذر ماه جلسه رسیدگی به پرونده های اتهامی خانم فرزانه زیلابی در شعبه شانزده دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان برگزار خواهد شد. خانم زیلابی پیش از این به موجب حکمی از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب اهواز به دلیل وکالت کارگران هفت تپه به اتهام فعالیت تبلیغی به یک سال حبس و دو سال ممنوع الخروجی از کشور محکوم شده بود. در بخش غیر امنیتی همین پرونده، به اتهام نشر اکاذیب برای تشویش اذهان عمومی از سوی شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری دو اهواز به سه ماه و یک روز حبس محکوم شده بود. در همین ارتباط، اداره اطلاعات، در تحلیلی پرونده سازانه، قبول وکالت کارگران و فعالان کارگری - اجتماعی را از سوی این وکیل دادگستری "فعالیت های معاندانه در پوشش وکالت" نامید. خانم زیلابی در جریان برآمد توده ای با پذیرش وکالت معترضان نیز بار دیگر پس از صدور کیفرخواست، از سوی شعبه چهارم دادگاه انقلاب اهواز با اتهامات متعدد امنیتی مواجه گردید که در نهایت به یک سال حبس بابت اتهام فعالیت تبلیغی و بابت اتهام توهین به رهبری به ۶ ماه حبس محکوم گردید. همچنین وی مجدداً به دو سال ممنوع الخروجی محکوم گردیده است.

#### بیانیه سندیکاهای فرانسه؛ تشدید اعدام ها در ایران

ما اخبار بسیار نگران کننده ای از ایران دریافت می کنیم. رژیم دیکتاتوری در برابر خشم اجتماعی و مردمی نسبت به بحران اقتصادی، با سوء استفاده از معطوف شدن افکار عمومی جهانی به جنگ جاری در غزه، به تشدید سرکوب روی آورده است. ما شاهد افزایش قابل توجه تعداد بازداشت‌های فعالین کارگری به بهانه‌های واهی هستیم: مقامات مسئول ایران، کارگران و بازنشستگانی را به اتهام برگزاری تظاهرات مسالمت آمیز در اعتراض به گرانی زندگی و عدم پرداخت دستمزدهای معوقه، به نحو فزاینده ای آماج سرکوب قرار می دهند. فهرست دستگیرشدگان و زندانیان هر روز طولانی تر می شود. از میان دستگیری های اخیر می توان به ریحانه انصاری نژاد (فعال کارگری)، عثمان اسماعیلی و اسماعیل گرامی (کارگران بازنشسته و زندانیان سابق)، رضا اقدسی (کارگر اخراجی، معلول بیمار و ناشنوا) اشاره کرد. این سرکوب شامل حال افراد دیگری هم می شود از آن جمله حامیان کارگران، دگراندیشان و کسانی که باورهای شان مخالف با اعتقادات رژیم است، وکلای دادگستری، مدافعان حقوق زنان، مدافعان حقوق بشر و غیره.

زنان اولین قربانیان این رژیم استبدادی و مردسالار هستند که کنترل بر بدن آن ها یکی از ارکان این رژیم است. آرمینا گراوند دختر دانش آموز پس از ۲۸ روز کما در روز شنبه ۶ آبان جان باخت. گشت ارشاد متروی تهران با این نوجوان ۱۶ ساله اهل کردستان به دلیل نداشتن حجاب به شدت درگیر فیزیکی شده بود. حاکمیت در تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم بر میزان اعدام‌ها، به ویژه

جوان ۳۳ ساله و از معترضان بازداشتی آبان ۹۸ در زندان مرکزی شیراز با اتهام دروغین کشتن یک بسیجی اعدام شد. کامران رضائی را برای اعتراف علیه خودش، هفت ماه در انفرادی نگه داشتند و شکنجه کردند. روز سه‌شنبه ۷ آذر نیز یک معترض دیگر آبان ۹۸ به نام هانی شهبازی در زندان سپیدار اهواز اعدام شد. رضا رسایی نیز در خطر اعدام قرار دارد.

#### مرگ مشکوک یک نوجوان در قرنطینه زندان اصفهان

آرین قربانی، نوجوان ۱۸ ساله ساکن شهرضا اصفهان که به اتهام آنچه "مصرف مشروبات الکلی" گفته شده، بازداشت و تفهیم اتهام شد، به طرز مشکوکی در قرنطینه زندان جانباخت. اخباری از درگیری لفظی این نوجوان هنگام تفهیم اتهام در دادگاه با قاضی پرونده سخن میگوید و اینکه وی توسط قاضی تهدید شده است. وی پس از انتقال از بازداشتگاه به قرنطینه زندان به طرز مشکوکی جان خود را از دست داده است.

#### بی خبری از وضعیت یک کارگر بازداشتی بلوچستانی

با گذشت ۴۰ روز از وضعیت ابراهیم یارمحمدزی، کارگر ۳۸ ساله بلوچستانی خبری در دست نیست. این کارگر برای کار به شهر رفسنجان رفته بود که در سوم آبانماه توسط نیروهای امنیتی در این شهر بازداشت و سپس به مکانی نامعلوم منتقل شد و تاکنون از وضعیت وی اطلاعی در دست نیست. ابراهیم یارمحمدزی، متاهل و اهل زاهدان است و به طور مداوم برای کارگری به استان های کرمان، یزد و اصفهان رفت و آمد داشته و هیچ پرونده ای ندارد.

#### حکومت فساد، اختلاسهای نجومی

یک شرکت چای ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار برای واردات چای گرفته، اما بخشی از ارزهای ۴۲۰۰ را در بازار آزاد فروخته است. برای ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار از آن هیچ کالایی وارد نشده است. در این پرونده مدیرانی از وزارت کشاورزی، صمت، گمرک، استاندارد و بعضی از بانک‌های مرکزی دخالت دارند.

#### ۲۸ هزار میلیارد تومان در حساب شهرداری گم شده!

احمد صادقی، عضو شورای شهر تهران می‌گوید در جریان بررسی گزارش حساب درآمد و هزینه شهرداری تهران سرنوشت ۱۷ هزار میلیارد تومان از پول‌های شهرداری نامشخص است. مبالغ بیشتری در شهرداری "گم شدند!"

#### اجتماع مالباختگان در تهران

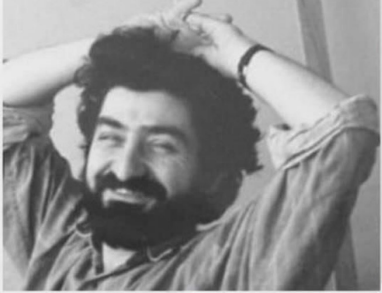
مالباختگان شرکت خودرویی "رضایت خودروی طراوت نوین"، در برابر ساختمان دادگستری کل کشور در تهران خواستار استرداد سرمایه خود شدند. این شرکت سرمایه هزاران نفر را با کلاهبرداری بالا کتیده است.

#### مراسم چهلمین روز جانباختن آرمیناگراوند

روز چهارشنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۲ مراسم چهلمین روز قتل آرمینا توسط اوپاش حجاب بان بود. حضور بسیجی ها و لباس شخصی های دوربین به دست و درحال فیلم برداری در نزدیکی مزارش و درگیری در مراسم چهلم آرمینا گراوند بین بسیجی ها و شهروندان حاضر به

بیمه ولو به شکل ناقص و مخدوش پرداخت می شود. بیش از ۵ میلیون کارگر در کارگاه های زیر پله ای و زیر زمینی و پنهان از هرگونه نظارت کار می کنند و این کارگران، در این کارگاه های زیرزمینی و غیر رسمی با حداقل دستمزد و محروم از بیمه و سنوات و سایر مزایای شغلی اجیر شده اند؛ چون نیاز مالی دارند و باید معاش خانواده شان را تامین کنند.

\*\*\*



**اسلام و اسلام زدایی  
منصور حکمت  
ژانویه ۱۹۹۹**

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبیش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است

## منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>  
[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400 BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

## ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسکری و آرش کلهر

اعدام های در انتظار عمومی را به شدت افزایش داده است: از ۷ اکتبر تا کنون، رژیم بیش از ۱۲۰ نفر از جمله ده ها مخالف سیاسی و فعالان جنبش های اجتماعی را اعدام کرده است. از جمله این قربانیان، قاسم آبیسته زندانی سیاسی کرد است که پس از ۱۴ سال حبس اعدام می شود. وی در سال ۱۳۸۷ به اتهام «تبلیغ علیه نظام» دستگیر شده بود؛ هم چنین میلاد زهره وند، جوانی که در تظاهرات جنبش «زن، زندگی، آزادی» شرکت کرده بود. همبستگی بین المللی امری اساسی است. ما کلیه سازمان ها و افراد مدافع حقوق انسانی و حقوق مزدبگیران را به اعتراض به مقامات ایرانی فرا می خوانیم.

سازمان های سندیکایی کارگری فرانسه باز هم بر همبستگی خود با قربانیان سرکوب تاکید نموده و سیاست تحمل ناپذیر سرکوب را به شدت محکوم می کنند. آن ها خواهان اجرای مفاد زیر هستند: لغو مجازات اعدام، ابطال کلیه محکومیت های ناعادلانه مغایر با حقوق و آزادی های بنیادین، آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه فعالانی که به دلیل عقاید، یا به خاطر فعالیت های اتحادیه ای و مدنی زندانی شده اند، هم چنین شهروندان خارجی از جمله سسیل کوهر و ژاک پاریس. ما خواهان منع پیگرد همه آن ها هستیم، رعایت قراردادهای بین المللی از سوی رژیم ایران، به ویژه قراردادهای سازمان جهانی کار (آی ال او)، که ایران عضو آن است، از جمله قراردادهای مربوط به آزادی تشکل، تظاهرات، اعتصاب و مذاکره دسته جمعی.

کنفدراسیون دموکراتیک کار فرانسه (CFDT)، کنفدراسیون عمومی کار (CGT)، فدراسیون متحد سندیکایی (FSU)، اتحاد سندیکایی همبسته، اتحادیه ملی سندیکاهای خودگردان (UNSA).  
پاریس، ۴ دسامبر ۲۰۲۳

### آلودگی هوا قاتل سریال

یک مقام سازمان حفاظت محیط زیست ایران از مرگ بیش از ۲۶ هزار نفر در ۳۳ شهر در سال ۱۴۰۱ به دلیل آلودگی هوا خبر داد. داریوش گل عزیزاده، رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط زیست ایران در گفت و گویی با وبسایت «خبر آنلاین» که روز دوشنبه منتشر شد، گفت که این آمار از سوی وزارت بهداشت ارائه شده است. او افزود که خسارت چنین مرگ و میری معادل ۱۱/۳ میلیارد دلار برآورد شده است. طبق این گزارش، تهران بیش از ۶ هزار مرگومیر منتسب به آلودگی هوا داشته که خسارت معادل آن ۳ میلیارد دلار است.

### ۵ میلیون کارگر زیرزمینی بدون بیمه

فتح الله بیات رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی: "بارها از ادارات درخواست کرده ایم که بازرسی بر کارگاه ها و نحوه عقد قراردادها را تشدید کنند اما هر بار در جواب ما می گویند، نیروی کافی برای افزایش بازرسی نداریم و هزینه بازرسی برای مان سنگین است. همچنین بازرسی، زمانی می تواند بر فعالیت یک کارگاه و نحوه عقد یک قرارداد شغلی نظارت داشته باشد که کارگاه و بنگاه اقتصادی، ثبت شده و دارای تابلو و نشان باشد، در حالی که امروز تعداد بسیار زیادی از کارگاه ها و بنگاه های اقتصادی، هیچ تابلو و نمادی ندارند و ما امروز می دانیم که علاوه بر جمعیت کارگران دارای قرارداد موقت که بیش از ۱۵ میلیون نفرند و برای شان حق

زنده باد آزادی، برابری، رفاه همگانی!



آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

[Saeed\\_arman2002@yahoo.co.uk](mailto:Saeed_arman2002@yahoo.co.uk)

uk

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

[Homayon\\_1954@yahoo.de](mailto:Homayon_1954@yahoo.de)

**PARLOW TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه  
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[saidyegan@gmail.com](mailto:saidyegan@gmail.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که  
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست  
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو  
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی  
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!